

نشانی برای دریافت و انتشار

ایمیل های شما

Info.sabz1388@googlemail.de

تیراژ این شماره: ۴۲۵۰۰۰

۹۳  
۲۰ بهمن ۱۳۸۸

اولین روزنامه ای میلی  
**سبز**  
GREEN  
NEWS PAPER

مسیرهای راه پیمائی ۲۲ بهمن

محسن سازگارا

صفحات: ۲ و ۳

## ۲ روز به ۲۲ بهمن سبز ، همراه شو عزیز

**کروبی :**

**خبری از سازش نیست**

مردم: ۲۲ بهمن در خیابان هستیم

کودتاچیان: از محل سکونت خود بروید

گاردین: موتور انقلاب اسلامی در آستانه

توقف

۴۰ برنده جایزه نوبل محمود احمدی نژاد

را تقبیح می کنند

صفحات: ۲ و ۱۰ و ۱۱



**برنامه تظاهرات ۲۲ بهمن**

**در سراسر جهان**

صفحات: ۱۶ و ۱۷

**تظاهرات هزاران ایرانی**

**در پاریس**

صفحه: ۱۳

**آخرین تلاش های کودتا چیان**

سناریوی ترور رهبران جنبش سبز

پروژه کشته سازی و قصد ترور خاتمی

اغتشاش و اخلاص در ۲۲ بهمن حرام است

بر خورد شدید با معترضان، شعار خارج از قاعده ممنوع

صفحات: ۵ و ۶

**گزارش شیرین عبادی به اجلاس شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد**

صفحه: ۷

**بازداشت اهالی رسانه به ۵۵ نفر رسید!**

صفحه: ۷

**مرتضوی پرونده ۳ اعدامی کرد را پنهان کرده بود**

صفحه: ۷

گفت و گوی لوموند با محمد رضا حیدری

انقلابی نمونه، کنسول معترض در اسلو

صفحه: ۹

گزارش لوس آنجلس تایمز از فراخوان

**درخواست روزنامه نگاران ایرانی از همتایان خارجی**

صفحه: ۹

۱۴	یک روز از آزادی.... هوشنگ اسدی
۱۴	۲۲ بهمن، ایران آماده اعتراض بزرگ! علی کشتگر
۱۵	جنبش سبز؛ انقلاب یا اصلاح؟ سید ابراهیم نبوی

ناشر



موسسین:

خانه فیلم مخملباف / نوشابه امیری  
هوشنگ اسدی / فریبرز بقانی  
محسن سازگارا / علیرضا نوری زاده  
فرهنگسرای پویا

مدیر اجرایی:  
شهرلا بهار دوست

اولین پیش شماره هفتم تیر ماه  
هزار و سیصد و هشتاد و هشت



### کروبی: خبری از سازش نیست

در دریای انسانی ۲۲ بهمن هشتم

من این دولت را قانونی نخوانده ام و سر

حرف خودم می مانم.

- اگر احمدی نژاد دیگر پشتیبانی نشود

همین پارلمان محافظه کار او را به زیر می کشد

- نه در معترضین و نه در حکومت خبری

برای سازش نیست

- هدف از این اعدام ها ایجاد رعب و

وحشت است

- این طرف مقابل است که کار را به اینجا

رسانده که مردم از خودشان دفاع می کنند.

امکان دارد ما کنترل را از دست بدهیم. اما

مسئولیت آن به عهده دولت است

**اشپینگل:** حجت الاسلام کروبی، هفته پیش شما ظاهراً در مصاحبه با یک خبرگزاری نزدیک به حکومت اظهار داشته اید که محمود احمدی نژاد را به عنوان رئیس جمهور به رسمیت می شناسید. این موضوع صحت دارد؟

**کروبی:** در مصاحبه با آن خبرگزاری هم گفتم من این دولت را قانونی نخوانده ام و سر حرف خودم می مانم. انتخابات به طرز صحیحی برگزار نشده است. اما خب این دولت دارد هر روز کار انجام می دهد. حتی اگر به وسیله کودتا هم روی کار آمده باشد باز باید برای کارهایی که می کند پاسخگو باشد.

**اشپینگل:** این صحبت شما پیشنهادی برای سازش تلقی شده است.

**کروبی:** اظهارات من گامی به عقب نیست، اما گامی به جلو هم نیست. از جانب ما نشانه ای از آمادگی برای سازش وجود ندارد. از جانب طرف مقابل هم چنین آمادگی ای وجود ندارد. اصلاً نه در معترضین و نه در حکومت خبری برای سازش نیست.

**اشپینگل:** خواسته های شما از حکومت برای برون رفت از بحران چیست؟

**کروبی:** زندانیان سیاسی باید آزاد شوند. ما به آزادی مطبوعات و اجتماعات نیازمندیم. قانون انتخابات باید عوض بشود و انتخابات آزاد برگزار شود. در این صورت دولت کنونی نمی تواند دوام بیاورد و بر سر قدرت بماند.

**اشپینگل:** روز پنجشنبه مهمترین سالروز انقلاب است. شما در تظاهرات شرکت خواهید کرد؟

**کروبی:** امسال هم مثل همه سال ها از هنگام انقلاب سال ۱۹۷۹ به این طرف در تظاهرات شرکت می کنم. من جایی به این دریای بزرگ انسانی خواهم پیوست و از قیل هم محل خاصی را اعلام می کنم.

**اشپینگل:** آیا شما با میرحسین موسوی قرار و مداری گذاشته اید و یا توافق هایی کرده اید؟

**کروبی:** توافق های ما و قرار و مدار همامان جنبه سازمانی و تشکیلاتی ندارد. اما ما روابط دوستانه ای با هم داریم. مثلاً به تازگی ایشان به خانه ما آمده بودند و ما درباره اعدام های اخیر با هم صحبت کردیم.

**اشپینگل:** حکومت دو نفر را اعدام کرد که ظاهراً به یک حزب پادشاهی افراطی تعلق داشتند.

**کروبی:** هدف از این اعدام ها ایجاد رعب و وحشت است. اما با این کارشان زخم ها را عمیق تر می کنند.

**اشپینگل:** حکومت چهره ای خشن از خود نشان می دهد. با وجود این، شما هواداران خود را به

اعتراض دعوت می کنید؟

**کروبی:** ما مردم را فرا می خوانیم تا در تظاهرات رسمی سی و یکمین سالروز انقلاب شرکت کنند. اما ما تعیین تکلیف نمی کنیم که تظاهرکنندگان در کدام راه پا بگذارند، به کجا بروند و چه بکنند.

**اشپینگل:** مردم مدتهاست شعار «احمدی نژاد باید برود» را می دهند. بعضی ها در خواست استعفای رهبر انقلاب آیت الله علی خامنه ای را دارند. اینها شعارهای شما هم هستند؟

**کروبی:** در یک تظاهرات بزرگ، آدم ها با مواضع مختلفی جمع می شوند. بعضی از این شعارها درست هستند و برخی دیگر انحرافی و نادرست. بعضی ها مثل من دولت را به رسمیت نمی شناسند. ما می گوئیم مواظب شعارهای ساختار شکنانه باشید؛ شعارهایی را که ساختار شکن هستند و بهانه ای به دست حکومت می دهد تا به آنها حمله بکنند، ندهند.

**اشپینگل:** پس به نظر شما مردم باید از خواست برکناری آیت الله خامنه ای صرف نظر کنند؟

**کروبی:** من نمی خواهم وارد چنین مباحثی بشوم. بحث ما انتخابات ریاست جمهوری است، بحث سر آزادی هایی است که در قانون اساسی ما تصریح شده است و بحث سر دولتی است که لیاقت اداره کشور را ندارد.

**اشپینگل:** در این میان تظاهرکنندگان بسیار از شما فراتر رفته اند؛ از شما و موسوی.

**کروبی:** شعارها از هر دو سو به شکل روزافزونی رادیکال تر می شوند. این نتیجه سرسختی های حکومت و نیروهای امنیتی است.

**اشپینگل:** آیا جنبش اعتراضی از رهبران خود فاصله گرفته است؟

**کروبی:** موسوی و من سالیان سال در مناصب پر مسئولیت خدمتگذار مردم بوده ایم. به همین دلیل هم تا حدودی نفوذ داریم. موسوی تشکیلاتی ندارد، ولی حزب من با محدودیت هایی مواجه شده است. این اعتراضات در حقیقت جنبش مردمی است و اقتضای مختلفی در آن هستند و مستقل عمل می کنند.

**اشپینگل:** در این میان تمام نظام زیر سوال رفته است.

**کروبی:** مردم ایران از آگاهی سیاسی بالایی برخوردارند. من روی شعور و بلوغ مردم حساب می کنم.

**اشپینگل:** خشونت در حال بالا گرفتن است. هرج و مرج کشور را تهدید می کند.

**کروبی:** من اساساً هرگونه خشونت را محکوم می کنم. اگر نیروهای انتظامی به آدم ها حمله کنند البته کار به تخطی می انجامد. البته این طرف مقابل است که کار را به اینجا رسانده که اینها از خودشان دفاع می کنند. امکان دارد ما کنترل را از دست بدهیم. اما مسئولیت آن به عهده دولت است.

**اشپینگل:** آیا دولت موفق می شود در این دوره چهار ساله دوام بیاورد.

**کروبی:** به نظر من همین الان هم دولت با زور سر کار مانده است. اگر احمدی نژاد دیگر پشتیبانی نشود همین پارلمان محافظه کار او را به زیر می کشد.

بسیاری از گروه های محافظه کار نیز او را قبول ندارند. او با حمایت نیروهای نظامی سر کار مانده است.

**اشپینگل:** غرب چه کمکی می تواند به جنبش اعتراضی بکند؟

**کروبی:** هر جنبشی باید متکی به مردم خودش باشد و کشور های خارجی وقتی کمک رسانی می کنند این کمک ها را بر اساس منافع ملی می کنند. همین قدر که خارجی ها اخبار نادرستی در مورد ما منتشر نکنند برای ما کافی است. مثلاً اینکه بگویند جنبش ما مرده.

**اشپینگل:** شما به آینده حکومت دینی معتقد هستید؟

**کروبی:** بله من همچنان به حکومت دینی اعتقاد دارم. اما نه به آن حکومت دینی که در نماز جمعه اش آدم ها از این خوشحالی کنند که بچه های ملت شان کشته شده اند و حتی آنجا اعلام کنند که بیش از این باید بکشند. من به آن حکومت دینی اعتقاد دارم که بر اساس دین رحمانی و عده اش را قبل از انقلاب به مردم داده بودیم.

### مسیرهای راهپیمائی ۲۲ بهمن

محسن سازگارا

حرکت بزرگ ملی در 22 بهمن است. همان طور که روز های قبل هم صحبت می کردیم، ابعاد کار حکومت و کودتاچی ها بیش از پیش در حال روشن شدن است. کودتاچی ها با به خدمت گرفتن بیش از ده هواپیما از نیروی هوایی و قطار های اضافه از راه آهن و چند هزار اتوبوس از صنایع دفاع و صرف کردن میلیاردها تومان از پول کشور - در حالی که کارگران کارخانه ها گرسنه هستند - سعی می کند با سهمیه بندی ای که در استان ها کرده است، بتواند افراد را به تهران برساند.

ظاهراً تا الان 30,000 نفر را توانسته اند قطعی کنند و امیدشان این است که [این تعداد را] برسانند به 100,000 نفر و از تهران هم امید دارند که 100,000 نفر جمع کنند و با 200,000 نفر، آن

نمایش را که می خواهند، به انجام برسانند یعنی این که از میدان آزادی تا میدان انقلاب در تهران را به دست بگیرند، بلندگوهای خیلی قوی در مسیر بگذارند مثل 13 آبان که از روی وانت ها با بلندگوهای قوی شعر می دادند، این دفعه به طور متمرکز از بلندگو هایی که بر روی تیر های چراغ برق گذاشته اند صدای بلند تولید کنند و کمبود نفراتشان را هم با پرچم های دو - سه متری که درست کرده اند روی سرشان بکشند تا کمبود آدم هاشان دیده نشود و به این ترتیب به قول بچه ها «تظاهرات دزدی» کنند. یعنی بتوانند جمعیت میلیونی را که می آیند، متعلق به خودشان جلوه دهند و بتوانند نمایش دهند. به نظر

می رسد بیش از هر چیزی من این نمایش به درد آقای خامنه ای خواهد خورد برای این که او را هم باید قانع کنند که اکثریت ملت با او مخالف نیستند. هم چنان که بعد از روز عاشورا هم حال آقای خامنه ای بسیار بد بود.

اما نقشه ای را که من الان می خواهم به شما نشان بدهم، نقشه ای است که دیدم از طرف شورای هماهنگی 22 بهمن و از طرف یک سری از بچه های فعال، در سایت youtube بالاترین گذاشته شده بود و به نظرم پیشنهاد های خوبی در آن وجود دارد.







### حصار کشی آزادی

همچنین طی روزهای اخیر سطح میدان آزادی، به طرز عجیب و بی سابقه ای در حال حصارکشی و محدود شدن است. به گونه ای که تا حال حاضر، کل محوطه چمن وسط میدان آزادی بوسیله داریست محصور شده و قسمت هایی از پیاده رویهای میدان نیز به وسیله داریست در حال محصور شدن است. هنوز مشخص نیست محدوده های محصور شده مذکور، برای استقرار گروههایی خاص تعبیه شده یا قرار است مردم امکان استقرار در این مناطق را نداشته باشند و عملاً جای محدودی در سطح میدان برای حضور راهپیمایان دولتی وجود داشته باشد. **فرشته قاضی**

### آخرین تلاش های کودتا چیان

ادعای تازه سپاه در آستانه ۲۲ بهمن:

#### سناریوی ترور رهبران جنبش سبز

با وجود آنکه تنها ۲ روز تا راهپیمایی اعتراض آمیز جنبش سبز در ۲۲ بهمن ماه باقی مانده است، یکی از فرماندهان سپاه پاسداران با تشریح آنچه که "جزئیات برنامه ترور محمد خاتمی و توطئه کشته سازی" نامید، محافل سیاسی را نسبت به احتمال سوء قصد به جان یکی از رهبران معترضان در روزهای آتی نگران و حساس کرد.

خبرگزاری فارس، خبرگزاری نزدیک به سپاه پاسداران که سخنان این فرمانده سپاه در نشست به نام "بصیرت" را در قم بازتاب داده، به نقل از وی نوشته است که زمان این عملیات تروریستی سال گذشته و در جریان سفر بهمن ماه ۸۷ محمد خاتمی به اهواز بوده و عاملان آن نیز "منافقین" بوده اند. ابراهیم جباری، فرمانده سپاه علی بن ابیطالب در این باره می گوید: "پیش از انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری و زمانی که خاتمی به شهر اهواز سفر کرده بود، منافقان درصدد ترور وی و اسطوره سازی و مظلوم نمایی فتنه سبز برآمدند".

سخنان این فرمانده سپاه معطوف به مقطعی است که هنوز میرحسین موسوی آمادگی خود را برای شرکت در انتخابات ریاست جمهوری دوره دهم اعلام نکرده و رنگ "سبز" نیز به عنوان نماد انتخاباتی هواداران او انتخاب نشده بود.

بر اساس تاریخ رسمی انصراف محمد خاتمی از انتخابات ریاست جمهوری که در روز ۲۶ اسفند ۸۷ اعلام شد، او تنها ۶ روز پس از اعلام کاندیداتوری میرحسین موسوی از انتخابات کناره گیری کرد و به اعتقاد آگاهان در بهمن ماه که فرمانده سپاه علی بن ابیطالب مدعی وقوع این عملیات تروریستی است، قاعدتا مجاهدین خلق نمی توانستند به دنبال آنچه که وی "مظلوم نمایی فتنه سبز و پروژه کشته سازی" می نامد، باشند.

بنا به ادعای فرمانده سپاه علی بن ابیطالب که مقر اصلی آن در قم قرار دارد، سازمان مجاهدین خلق عامل بمبگذاری در هواپیمای حامل رئیس جمهور سابق ایران در جریان سفر انتخاباتی اش به خوزستان بوده است.

او البته در بخش دیگری از سخنان خود، بمب گذاران را "نوستان" محمد خاتمی نامیده است. وی در تشریح عملیات تروریستی ای که یکسال پس از وقوعش فاش شده می گوید: "آنها در هواپیمایی

به کار بسته تا با انسداد رسانه ای از روند اطلاع رسانی جلوگیری و اگر ۲۲ بهمن برخلاف میل و تصور گردانندگان دولت پیش رفت، اخبار این روز را کاملاً بایکوت کند.

### تهدید فعالان؛ تهران باشید بازداشت می شوید!

در همین راستا طی روزهای گذشته علاوه بر بازداشت گسترده روزنامه نگاران و احضار روزنامه نگاران آزاد شده به وزارت اطلاعات، مسولان امنیتی در تماس با فعالان سیاسی و مطبوعاتی، آنها را تهدید کرده اند که اگر شب ۲۲ بهمن منزل باشند قطعاً بازداشت خواهند شد. یکی از این فعالان که مورد تهدید قرار گرفته به "روز" گفت: به من گفته اند که ۲۲ بهمن به نفع من است که از تهران خارج شوم و در تهران نباشم در غیر این صورت بازداشت خواهم شد.

با وکلای دادگستری و حقوقدانان سرشناس نیز تماس گرفته و به آنها گفته اند حق هیچ گونه مصاحبه ای در چند روز آینده ندارند و در غیر این صورت بازداشت خواهند شد.

فردی که با فعالان شناخته شده و همچنین وکلای حقوقدانان سرشناس تماس گرفته، خود را «هادوی» معرفی کرده است.

### پخش اعترافات در ۲۱ بهمن!؟

همزمان برخی اخبار از تحت فشار بودن اعضای دفتر تحکیم وحدت برای حضور در تلویزیون و اعترافات تلویزیونی در روزهای ۲۰ و ۲۱ بهمن حکایت دارد. به گزارش خبرنگار "روز" مقامات امنیتی تصور میکنند با پخش اعترافات تلویزیونی چهره های شناخته شده دفتر تحکیم وحدت، جو ترس و ارعاب ایجاد و دانشجویان را از حضور در ۲۲ بهمن منصرف میکنند.

### تدارکات عجیب و بی سابقه

برخی گزارش ها نیز از تدارکات بی سابقه حکومت برای روز ۲۲ بهمن حکایت دارد. بر اساس این گزارش ها کسانی که طی روزهای اخیر از خیابان آزادی عبور کرده اند، متوجه نصب داریست هایی در مسیر ویژه اتوبوس های تندرو، از میدان آزادی تا انقلاب و به فاصله هر ۵۰ متر شده اند. از روز شنبه، بر روی این داریست ها بلندگوهایی نصب شده است. به این ترتیب مسیر طولانی مذکور مجهز به سیستم صوتی شده است.

سایت امروز گزارش داده این اقدام در طول ۳۰ سال گذشته و در جشن های پیروزی انقلاب بی سابقه بوده است. در سالهای گذشته پوشش صوتی مراسم راهپیمایی ۲۲ بهمن در تهران، سطح میدان آزادی و چند ده متر از ابتدای خیابانهای آزادی و محمدعلی جناح از سمت میدان آزادی را شامل می شد. این اقدام به همراه اخبار منتشر شده اخیر مبنی بر برنامه ریزی برای انتقال نیرو از استانهای مختلف کشور در روز ۲۲ بهمن به تهران و تقسیم بندی و توزیع مناطق مختلف در مسیر راهپیمایی تهران بین گروههای اعزامی از استان ها، حاکی از آن است که دولت با هزینه هنگفت، تدارک وسیعی برای کنترل جمعیت راهپیمایی کننده روز ۲۲ بهمن دیده است.

نصب بلندگو در مسیر طولانی راهپیمایی، به منظور پخش هماهنگ شعار و سایر اصوات با صدای بلند در طول راهپیمایی است به گونه ای که امکان دادن شعار از سوی مردم و شنیده شدن آن را ندهند.

### مردم: ۲۲ بهمن در خیابان هستیم

#### کودتاچیان: از محل سکونت خود بروید

۲ روز مانده به ۲۲ بهمن ایجاد ناامنی برای فعالان و روزنامه نگاران به ترتیبی که همه آن ها از ماندن در محل سکونت خود احساس ناامنی کنند، پخش مدام مصاحبه های ضد و نقیض تهدید کننده برای ایجاد ترس در مردم و انصراف معترضان از شرکت در مراسم و تظاهرات موضوع اصلی بحث و گفتگو ها در خیابان و تاکسی ها و پارک هاست. به نظر می رسد دولت همه ابزار و توان خود را برای کنترل راهپیمایی سالروز پیروزی انقلاب اسلامی و مقابله با هواداران جنبش سبز به کار گرفته است. این در حالیست که سران جنبش سبز و گروه های اصلاح طلب از مردم دعوت کرده اند تا با هویت خود در این راهپیمایی شرکت کنند. گزارش ها و اخبار ارسالی خبرنگاران "روز" از تهران و سایر شهرهای ایران حاکی از آن است که افسار مختلف مردم قصد دارند از ۲۲ بهمن به عنوان فرصتی دیگر جهت اعلام اعتراض های خود بهره گیرند. همین اطلاع مراکز امنیتی و اطلاعاتی را واداشته که با استفاده از رسانه های حکومتی به ایجاد وحشت در مردم بپردازند.

یک کارشناس مسائل سیاسی اظهار عقیده کرده حکومت که امیدوار بود با برخورد های خشن صورت گرفته در عاشورای خونین تهران، بازداشت های فله ای و اعدام آرش رحمانی پور و محمدرضا علیزمانی، شکست جنبش سبز و معترضان مردمی را در ۲۲ بهمن جشن بگیرد و در این راستا خبر از دعوت بیش از سیصد خبرنگار خارجی برای پوشش خبری مراسم ۲۲ بهمن داده بود، اکنون در هراس از گزارش واقعیات این روز، مجوز چند خبرنگار خارجی را نیز لغو کرده است.

گزارش ها حاکی است به برخی از خبرنگاران نشریات و رسانه های خارجی به طور غیررسمی گفته شده مجوز فعالیت آنها در ایران از ۱۸ بهمن معلق شده است. از سوی دیگر قرائن چنین نمایان می کند که با پیش بینی یک سکو معین در میدان آزادی وزارت ارشاد قصد دارد خبرنگاران را به داخل این محوطه راهنمایی کند تا از گزارش و فیلمبرداری و عکسبرداری از خارج از میدان محصور محروم شوند.

### حکومت در صدد بایکوت خبری ۲۲ بهمن

همزمان بسیاری از مراکز خبری جهانی ادعای خبرگزاری فارس را مبنی بر حضور سیصد روزنامه نگار برای پوشش خبری ۲۲ بهمن، با دیده تردید می نگرند. چنان که گزارش ها نشان می دهد هیچ یک از خبرنگاران سرشناس بین المللی در شرایط فعلی در ایران نیستند. این در حالیست که از یک هفته مانده به ۲۲ بهمن، خطوط اینترنت در ایران به شدت مختل شده، سرعت اینترنت کاهش یافته و دسترسی به بسیاری از سایت ها و سرویس ایمیل ها دشوار شده است. از سوی دیگر سرویس انتقال پیام کوتاه (اس ام اس) نیز دچار اختلال شده است.

موج بازداشت فله ای روزنامه نگاران و فعالین عرصه رسانه نیز طی روزهای گذشته چنان تشدید شده که به گفته ناظران، حکومت تمام تلاش خود را



اهواز - تهران که خاتمی و هیئت همراه او در آن جای داشتند بمبگذاری کردند و قرار بود که نیم ساعت پس از پرواز آن بمب در هوا منفجر شود و اینگونه دشمنان به اهداف شوم خود دست یابند. اما خاتمی که حدود نیم ساعت زودتر به فرودگاه رسیده بود از سوی سرگروه تیم مطلع شد که هواپیمایی زودتر از موعد مقرر قصد پرواز به سمت تهران را داشته و اتفاقاً در جلوی هواپیمای نیز جای خالی وجود دارد، از این رو تصمیم به پرواز با آن هواپیما را گرفت."

وی در ادامه تشریح سناریوی خود می‌افزاید: "پس از نجات خاتمی از مهلکه‌ای که به ظاهر دوستان او برایش ترتیب داده بودند، مهماندار هواپیمایی بمبگذاری شده در حالی که حدود یک ربع از پرواز هواپیما از فرودگاه اهواز گذشته بود، یادداشتی را در گوشه‌ای از هواپیما پیدا کرده بود که نسبت به بمبگذاری در دستشویی هواپیما هشدار داده بود. پس از مطلع شدن خلبان و مسئول امنیت پرواز از این جریان، آنها با توکل به خداوند تصمیم به بازگشت به فرودگاه گرفته و پاسدار فداکار امنیتی با گرفتن بمب در آغوش جان خود را برای محافظت از مسافران در طبق اخلاص قرار می‌دهد و هنگامی که هواپیما به سلامت به فرودگاه می‌رسد، همان مسئول امنیتی به سرعت بمب را از هواپیما خارج کرده و به سمت فضای باز منتقل می‌کند."

این فرمانده سپاه سناریوی خود چنین تمام کرده است: "پس از آنکه آن پاسدار بمب را در فضای باز رها می‌کند و در هنگام بازگشت آن بمب منفجر شده و موج انفجار او را زخمی می‌کند."

گفتنی است، این فرمانده سپاه از جزئیات عملیات تروریستی ای سخن گفته است که پیش از وقوع آن در سال گذشته، روزنامه کیهان، ارگان تحت نظارت نماینده آیت الله خامنه‌ای آن را پیشگویی کرده بود. جالب این است که عملیات تروریستی مورد اشاره این فرمانده سپاه در زمان وقوع هیچ انعکاس رسانه‌ای نداشته است؛ امری که شائبه غیر واقعی بودن آن را تقویت می‌کند. پس از راهپیمایی‌های اعتراضی آئین مردم در روزهای پس از انتخابات نیز وزارت اطلاعات از وقوع انفجاری در مقبره آیت الله خمینی خبر داد که پس از چندی دفتر موسسه تنظیم و نشر آثار آیت الله خمینی این خبر را تکذیب کرد.

از سوی دیگر سناریوی "ترور محمد خاتمی" سال گذشته در 24 بهمن ماه از سوی روزنامه کیهان و در سرمقاله نماینده ولی فقیه در این ارگان مطرح شد. حسین شریعتمداری در این روز در سرمقاله روزنامه متبوع اش و زمانی که محمد خاتمی کماکان کاندیدای انتخابات ریاست جمهوری بود، ضمن مقایسه خاتمی و بی نظیر بوتو نوشت: "هدف تندروها از حضور در عرصه انتخابات بالا بردن هزینه نظام است و نه سود رساندن به روند آن و به رسمیت شناختن نتایج انتخابات."

او افزوده بود: "آیا آنان وقتی در یک روش به بن‌بست می‌رسند به روش دیگر روی نمی‌آورند؟ آمریکایی‌ها در پاکستان ابتدا تلاش و افری کردند تا از طریق تبلیغات و دیپلماتیک، بی‌نظیر بوتو را به قدرت برسانند و از طریق او پاکستان را بدوشند ولی زمانی که دریافتند به هیچ قیمتی حزب او توان به دست آوردن اکثریت را ندارد به روش دیگری متوسل شدند. این یک عبرت است. بعضی از اصلاح‌طلبان سابقه روشنی! در این خصوص دارند."

یک فعال مطبوعاتی درباره سخنان اخیر فرمانده سپاه قم و سناریوی ترور خاتمی در سال گذشته و ارتباط این اظهارات با سرمقاله مشهور روزنامه کیهان می‌گوید: "به نظر می‌رسد که این فرمانده سپاه سناریویی را تشریح کرده است که هم به لحاظ زمانی و هم به لحاظ نوع روایت، هماهنگ با روزنامه کیهان است و نه با سیر حوادث قبل از انتخابات."

وی می‌افزاید: "کنار هم قرار دادن مجاهدین خلق و جنبش سبز یکی از خطوط اصلی روزنامه کیهان است اما بر اساس زمان ادعایی فرمانده سپاه قم یعنی بهمن ماه 87، نمی‌توان این دو جریان را به واسطه ترور خاتمی به هم مرتبط کرد چرا که در آن مقطع نه جنبش سبز وجود داشت و نه غیر از کیهان، منبعی از احتمال ترور خاتمی خبر داده بود."

گفتنی است پیش از این نیز جهان نیوز، یک پایگاه خبری نزدیک به سپاه پاسداران در تیرماه گذشته و دو روز قبل از تظاهرات اعتراض آمیز مردم در 18 تیر از "بازداشت تیم ترور موسوی و کروبی" خبر داده بود.

این سایت نوشته بود: "یک منبع آگاه از دستگیری تیم تروریستی کارگشته‌ای که برای ترور موسوی و کروبی به کشور وارد شده بودند خبر داد. این افراد که در قالب پنج تیم و از طریق مرزهای خوزستان وارد کشور شده بودند قبل از آنکه بتوانند اقدامی مرتکب شوند توسط ماموران امنیتی کشور دستگیر و روانه زندان شدند."

جهان نیوز نیز عوامل این ادعای خود را "منافقین" معرفی کرده و نوشته بود: "دستگیری این افراد و بازجویی‌های به عمل آمده نشان داد که پنج تیم که چهار تیم آنان دستگیر و یک تیم از آنان متواری شده است از عوامل منافقین بوده و در اردوگاه اشرف عراق تعلیم دیده بودند. هدف از ورود این افراد به کشور ترور میرحسین موسوی و مهدی کروبی و نسبت دادن آن به نهادهای انقلاب بود که با اطلاع به موقع دستگیر و از خرابکاری آنان جلوگیری به عمل آمد."

گفتنی است در تجمع معترضان در هجدهم تیر ماه در میدان هفت تیر، عوامل لباس شخصی وابسته به بسیج مهدی کروبی را مورد حمله قرار داده بودند.

**نازنین کامدار**

### فرمانده سپاه علی بن ابیطالب:

### پروژه کشته‌سازی و قصد ترور خاتمی

خبرگزاری فارس: فرمانده سپاه علی بن ابیطالب به تشریح جریان و توطئه کشته‌سازی منافقان و بمبگذاری هواپیمای تهران - اهواز برای ترور خاتمی پیش از انتخابات پرداخت.

به گزارش خبرگزاری فارس از قم، ابراهیم جباری شنبه شب در نشست سیاسی بصیرت که به مناسبت ایام الله دهه فجر در مسجد اهل البیت (ع) قم برگزار شد، جریان کشته‌سازی منافقان برای بدنام کردن نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران را مورد توجه قرار داد و گفت: پیش از انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری و زمانی که خاتمی به شهر اهواز سفر کرده بود، منافقان درصدد ترور وی و اسطوره‌سازی و مظلوم‌نمایی فتنه سبز برآمدند. وی افزود: آنها در هواپیمای اهواز - تهران که خاتمی و هیئت همراه او در آن جای داشتند

بمبگذاری کردند و قرار بود که نیم ساعت پس از پرواز آن بمب در هوا منفجر شده و اینگونه دشمنان به اهداف شوم خود دست یابند.

جباری خاطر نشان کرد: اما خاتمی که حدود نیم ساعت زودتر به فرودگاه رسیده بود از سوی سرگروه تیم مطلع شد که هواپیمایی زودتر از موعد مقرر قصد پرواز به سمت تهران را داشته و اتفاقاً در جلوی هواپیما نیز جای خالی وجود دارد، از این رو تصمیم به پرواز با آن هواپیما را گرفت.

وی در ادامه تشریح کرد: پس از نجات خاتمی از مهلکه‌ای که به ظاهر دوستان او برایش ترتیب داده بودند، مهماندار هواپیمایی بمبگذاری شده در حالی که حدود یک ربع از پرواز هواپیما از فرودگاه اهواز گذشته بود، یادداشتی را در گوشه‌ای از هواپیما پیدا کرده بود که نسبت به بمبگذاری در دستشویی هواپیما هشدار داده بود.

فرمانده سپاه علی بن ابیطالب (ع) گفت: پس از مطلع شدن خلبان و مسئول امنیت پرواز از این جریان، آنها با توکل به خداوند تصمیم به بازگشت به فرودگاه گرفته و پاسدار فداکار امنیتی با گرفتن بمب در آغوش جان خود را برای محافظت از مسافران در طبق اخلاص قرار می‌دهد.

جباری در ادامه افزود: هنگامی که هواپیما به سلامت به فرودگاه می‌رسد، همان مسئول امنیتی به سرعت بمب را از هواپیما خارج کرده و به سمت فضای باز منتقل می‌کند.

وی اظهار داشت: پس از آنکه آن پاسدار بمب را در فضای باز رها می‌کند و در هنگام بازگشت آن بمب منفجر شده و موج انفجار او را زخمی می‌کند.

جباری تأکید کرد: پاسداران انقلاب اسلامی اینگونه از جان مردم در برابر خطرات محافظت می‌کنند اما منافقان کوردل تصور می‌کنند با کشتن افرادی مثل ندا آقاسلطان می‌توانند نظام اسلامی را به ترور متهم کنند، ولی این جاهلان مغز تهی چه فکری پیش خود می‌کنند و نظام از ترورهای بدین شکل چه منفعتی خواهد داشت که آنها اینگونه سخن می‌گویند.

فرمانده سپاه علی بن ابیطالب (ع) در پایان مردم را نسبت به آگاهی در برابر فتنه‌ها و دسیسه‌های دشمنان هشدار داد و گفت: امروز مردم و خواص جامعه باید با حضور پرشور در صحنه‌های حساس انقلاب اسلامی به ویژه راهپیمایی ۲۲ بهمن، دفاع از ارزش‌های اسلامی و انقلابی و پاسداری از حریم ولایت‌فقیه را فریاد کشیده و فرصت هرگونه فتنه و شیطنت را از منافقان سلب کنند.

### جوادی آملی:

### اغتشاش و اخلاص در ۲۲ بهمن حرام است

فارس: آیت‌الله جوادی آملی از آیات عظام و مفسر قرآن در دیدار ۳۰۰ تن از استادیسی دانشگاه‌های کشور که روز گذشته، یکشنبه، برگزار شد، با اشاره به دهه مبارکه فجر و راهپیمایی ۲۲ بهمن از تمامی مردم خواست تا در این راهپیمایی حضور پرشور داشته باشند.

وی افزود: اغتشاش و اخلاص در این مراسم‌ها حرام عینی است و نعمت رهبری عادل و شجاع یکی از نعمت‌های بزرگ انقلاب اسلامی است.

آیت‌الله جوادی آملی با تأکید بر اینکه حضور پرشور مردم در راهپیمایی ۲۲ بهمن بعیت مجدد با رهبر انقلاب است، خاطر نشان کرد: حفظ نظام اسلامی از



واجبات عینی است. این مرجع تقلید در ادامه تصریح کرد: نقش مراجع تقلید در پیروزی انقلاب اسلامی و حفظ و استمرار آن بسیار مهم است. وی در بخش دیگری از سخنان خود به تأکید مراجع و علما در خصوص هوشیاری مردم نسبت به اغتشاشات و فتنه‌هایی که در جامعه رخ داده است اشاره کرد. این دیدار بعد از نماز ظهر و عصر دیروز در دفتر آیت‌الله جوادی آملی و با حضور ۳۰۰ تن از اساتید بسیجی کشور برگزار شد.

### فرمانده سپاه محمد رسول اله اعلام کرد: برخورد شدید با معترضان، شعار خارج از قاعده ممنوع

در تازمترین هشدار از سوی نیروهای امنیتی و انتظامی جمهوری اسلامی در مورد راهپیمایی روز ۲۲ بهمن، فرمانده سپاه تهران بزرگ روز یکشنبه از برخورد شدید با افرادی خبر داد که بخواهند «خارج از سبک کاروان انقلاب وارد شوند.» حسین همدانی، فرمانده سپاه محمد رسول‌الله تهران بزرگ، همچنین هشدار داد که نیروهای بسیجی جمهوری اسلامی اجازه نمی‌دهند که کسی راهپیمایی روز ۲۲ بهمن را «مصادره گروهی و جناحی نمایند.»

از هشت ماه پیش که اعتراضات به نتیجه انتخابات ریاست جمهوری و به دنبال آن سیاست‌های دولت ایران آغاز شد، مخالفان دولت به دلیل نداشتن اجازه تجمع و اعتراض هر گونه مناسبی را از جمله روز ۱۶ آذر و روز ففس برای رساندن صدای خود به نفع خود مصادره کرده‌اند. این در حالی است که بر اساس نص صریح قانون اساسی تجمع و اعتراض به شرط آن که «مخل به مبانی اسلام نباشد» در ایران آزاد است. محمدرسولشدهیدترین این اعتراضات و درگیری‌ها در روز عاشورا در تهران اتفاق افتاد که در هشت ماه گذشته بی‌سابقه بود و خبرگزاری‌ها از آن به عنوان «خونین‌ترین مواجهه نیروهای امنیتی و مردم» یاد کردند.

از همین رو مقامات جمهوری اسلامی، از کشوری و لشکری، از ماه گذشته به پیشواز ۲۲ بهمن رفته و بارها معترضان را به برخورد شدید در صورت سر دادن شعارهای نامتعارف و مخالف تهدید کرده‌اند. به نظر می‌رسد درگیری‌های روز عاشورا که از جمله به «فتح میدان ولی عصر» تهران از سوی معترضان انجامید اثر منفی عمیقی بر مقامات امنیتی ایران داشته است، به طوری که فرمانده نیروی انتظامی جمهوری اسلامی تا آنجا پیش رفت که گفت در جریان راهپیمایی روز ۲۲ بهمن «هدف این است حوادث عاشورا تکرار نشود.»

از سوی دیگر فرمانده سپاه محمد رسول‌الله ایران امیدواری کرده است که «حتی کسانی که به بخشی از عملکرد دولت‌مردان ما اعتراض دارند «همه در راهپیمایی ۲۲ بهمن یک حرف بزنند: «انقلاب اسلامی و تحقق آرمان‌های امام.» حسین همدانی همچنین هشدار داده است که «شعاری که خارج از قاعده و اصول که شکاف ایجاد می‌کند مطرح نشود.»

در همین حال میرحسین موسوی و مهدی کروبی، دو نامزد انتخابات که به نتیجه آن اعتراض دارند و آن را «مهندسی شده» می‌خوانند، نزدیک به دو هفته پیش در بیانیه‌های مشترک از تمام مردم و معترضان در ایران دعوت کردند که در راهپیمایی ۲۲ بهمن شرکت کنند.

آقایان کروبی و موسوی با دعوت از مردم برای «حضور گسترده» در راهپیمایی ۲۲ بهمن تأکید کردند که «اکثریت مردم تنها حق خود را می‌خواهند و به دنبال تغییرات ساختاری در اصل نظام نیستند، ولیکن به نظر می‌رسد که حاکمیت نسبت به همین صدای حق‌خواهی مردم نیز احساس خطر می‌کند.» این دو همچنین هشدارهای مقامات جمهوری اسلامی و همین طور اعدام‌های ماه گذشته در ایران را «با هدف ایجاد ترس برای شرکت نکردن مردم در راهپیمایی روز ۲۲ بهمن» ارزیابی کرده‌اند.

منبع: رادیو فردا

### در بیانیه 180 نماینده مجلس اعلام شد ۲۲ بهمن، آخرین فرصت سران فتنه

نمایندگان مجلس شورای اسلامی در بیانیه‌های متعددی هشدار دادند که ۲۲ بهمن آخرین فرصت سران فتنه برای اصلاح خود و بازگشت به راه امام و شهدا است.

به گزارش خبرنگار امور مجلس کیهان، در یکی از این بیانیه‌ها که به امضا ۱۵۵ نماینده رسیده بود، آمده است: ملت ایران طی ماه‌های گذشته با امتحانات عظیمی مواجه بود که با همت بلند از همه آنها سر بلند بیرون آمد و نماد آن هم در نهم دی ماه عیان گردید و در روز ۲۲ بهمن ماه نیز آشکارتر خواهد شد. متأسفانه عده‌ای با غفلت و سماجت بر مواضع خود پس از انتخابات بر طبل اختلافات کوبیدند. ملت ایران با صبوری و با لحاظ سوابق سران فتنه با آنان مدارا نموده اما آنها باید بدانند که رفتارشان نوعی نادیده انگاری راه امام و شهداست و ملت اغماض از این امر را بر نمی‌تابد.

در این بیانیه تأکید شد ۲۲ بهمن ماه روزی است که ملت حرف نهایی را خواهد زد ضروری است که جاماندگان از مسیر امام در فرصت روزهای آینده راه ملت را دریابند و گذشته خود را اصلاح کنند. در بخش پایانی بیانیه مذکور نیز با اشاره به موضوع هسته‌ای آمده است: این دستاورد پر ارزش بخش مهمی از توان ملی ایران محسوب می‌گردد. تصویب سه قانون در مجلس شورای اسلامی در رابطه با حقوق حقه ملت ایران دلیل بر حساسیت نمایندگان مردم ایران بر این حق ملی است. همه مسئولان باید با هوشیاری در مقابل فریبکاری آمریکا و غرب و پیشنهاد معاوضه دروغین سوخت ایستادگی نمایند و بدانند چارچوب حرکت ما صرفاً رهنمودهای مقام معظم رهبری است.

همچنین فراکسیون اصولگرایان مجلس شورای اسلامی نیز در بیانیه‌ای تصریح کرد: پس از انتخابات جدای از دغل کاری آمریکا و انگلیس و برخی کشورهای غربی، اشتباهات عده‌ای از افراد مؤثر در انتخابات هزینه‌هایی را بر ملت تحمیل نمود. اینک پس از گذشت نه ماه از موضوع

انتخابات، به فضل الهی ملت همه ابعاد ماجرا را دریافته‌اند و دیگر مجالی برای ماجراجویان فراهم نیست، فراکسیون اصولگرایان مجلس به آقایان موسوی، کروبی اعلام می‌دارد پیام ملت را در نهم دیماه درک نموده و به ملت ببیوندید و با طرح موضوعات ناصواب فرصت برای شیطنت کشورهای سلطه‌گر فراهم نکنید.

۲۲ بهمن آخرین زمان از مومن شماس است که التزام خود را به قانون اساسی و راه امام نشان دهید. فراکسیون اصولگرایان مجلس، عموم ملت بلند مقدار ایران را به راهپیمایی استوار ۲۲ بهمن دعوت می‌نماید تا با حضور انقلابی خود، پاسخ محکم به فریب کاری آمریکا و انگلیس بدهند که آمریکا به تعبیر امام، شیطان اکبر است و با حرکت انقلابی همه ملت دچار فرو ریختگی می‌گردد.

منبع: کیهان تهران

### گناه

فدریکو گارسیا لورکا  
مترجم: خسرو باقرپور

چه موهبت زیبایی!

که گناهانمان از چشم دیگران،  
پنهان می‌مانند

چون اگر این گونه نمی‌بود،

مجبور بودیم بی‌تردید،

و... با زهر خندی شرم آلوده،

هر روز خودمان را پاک پاک بشویم

و یا... نه!

شاید مجبور بودیم،

اصلاً زیر باران زندگی کنیم

و... خدای من!

چه موهبت زیباتری!

که دروغ هامان چهره هامان را دیگرگون نمی

کنند

زیرا در این صورت،

هر لحظه به هیبتی دیگر بودیم و

یکدیگر را،

برای لحظه‌ای حتی،

به یاد نمی‌توانستیم آورد.

پروردگار مهربان!

برای این همه بزرگی، برای این همه بخشش

سیاست می‌گویم!





### در ایران

## گزارش شیرین عبادی به اجلاس شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد ایران: زندان بزرگ

### اطلاعیه

روز پانزدهم فوریه (۲۶ بهمن ماه) برای رسیدگی به وضعیت حقوق بشر در ایران، جلسه‌ای در شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد، مستقر در شهر ژنو، برگزار خواهد شد. نماینده جمهوری اسلامی ایران به مدت یک ساعت گزارشی را قرائت کرده و سپس نوبت به نمایندگان کشورهای عضو شورا می‌رسد تا نسبت به آن اظهار نظر نمایند. نظر به این که گزارش دولت ایران در برگزیده تمامی حقایق نیست لذا دکتر شیرین عبادی نیز گزارش مختصری - در حد حوصله و وقت نمایندگان فوق الذکر - تهیه کرده و برای همه آنها و همچنین کمیسیون عالی حقوق بشر ارسال نموده است. به ضمیمه این اطلاعیه، متن کامل گزارش را ملاحظه خواهید فرمود.

### دفتر دکتر شیرین عبادی

مورخ ۱۹ بهمن ماه ۱۳۸۸  
۸ فوریه ۲۰۱۰

خانم پیلای کمیسیون عالی محترم حقوق بشر اعضای محترم شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد هر چند قبلاً نیز به دفعات کتبا و حضوراً وضعیت رو به وخامت حقوق بشر در ایران را متذکر شده بودم، ولی لازم می‌دانم که در آستانه رسیدگی به گزارش دولت جمهوری اسلامی ایران در پانزدهم فوریه ۲۰۱۰ مجدداً توجه سرکار و هم چنین اعضای محترم شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد را به موارد زیر جلب کنم:

هموطنان من روزهای سختی را پشت سر گذاشته اند، پاسخ اعتراضات مسالمت آمیز خود را با گلوله و زندان دریافت می‌کنند. فیلم‌ها، عکس‌ها و شاهدان فراوانی بر خشونت‌های دولتی تأکید می‌نمایند و حتی در چند مورد قاتلین با دلیل و مدرک کافی شناسایی و به مقامات دولتی و مردم معرفی شده اند ولی متأسفانه هیچ اقدامی در جهت دستگیری قاتلین و حتی کاهش خشونت‌ها از سوی قوه قضائیه و سایر مسئولین حکومتی انجام نگرفته است.

تعداد کثیری از فعالین سیاسی، مدنی و حتی فرهنگی با دلایل واهی دستگیر شده و برخی از آنان را با محاکمه‌ای چند ساعته و پشت درهای بسته محکوم به اعدام نموده‌اند - طبق اعلام رسمی دولت جمهوری اسلامی ایران، تا کنون چهار تن از آنان اعدام شده‌اند و بیش از ۲۵ نفر دیگر در انتظار لحظه موعود هستند.

با زندانیان سیاسی بسیار بد رفتاری می‌شود تا حدی که چند نفر از آنان نیز در زندان و زیر شکنجه جان سپرده‌اند. زندانیان سیاسی حتی از حقوق اندکی که قانون برای زندانیان عادی و مجرمین خطرناک در نظر گرفته است، نیز محروم هستند. برخی از آنان به علت کهولت و یا بیماری در معرض خطر جدی قرار دارند که از آن جمله می‌توان به دکتر ابراهیم یزدی و دکتر محمد ملکی و مهندس بهزاد نبوی اشاره کرد که دو نفر اول با سنی قریب به هشتاد سال

و بیماری سرطان و سومی با بیماری قلبی در شرایط غیر بهداشتی زندان بسر می‌برند. آنان محروم از درمان بوده و هر لحظه بیم از دست رفتنشان می‌رود و دردناک تر آن که زندانیان سیاسی بیمار که نیازمند معالجات هستند منحصر به این سه تن نبوده و بیش از ۶۰ نفر آنها باید در بیمارستان بستری شوند. ایران تبدیل به زندان بزرگ روزنامه نگارانی شده که گناهی جز اطلاع رسانی ندارند و در حال حاضر ۶۳ نفر روزنامه نگار و عکاس خبری در زندان هستند.

دانشجویان ایرانی با کوچکترین انتقاد روانه زندان شده و یا از تحصیل محروم می‌گردند. زنان ایران که خواهان تساوی حقوق هستند متهم به براندازی نظام جمهوری اسلامی شده و برای بیش از یکصد نفر از آنان پرونده کیفری ایجاد شده است. کارگران و معلمین به علت شرکت در اتحادیه‌های صنفی و اعتراض به کمبود دستمزد متهم به ماجراجویی و اغتشاش شده و تعدادی از آنان در زندان بسر می‌برند و تعداد کثیری نیز شغل خود را از دست داده‌اند.

نه تنها با غیر مسلمانان بد رفتاری می‌شود از جمله بهائیان ایران از ابتدای تاسیس حکومت جمهوری اسلامی ایران حتی اجازه تحصیل در دانشگاه را نداشته‌اند، بلکه حتی پیروان تشیع که مذهب رسمی ایران است، نیز از خشونت‌های دولتی در امان نیستند، از جمله می‌توان به ضرب و شتم و بازداشت در اوباش گنابادی اشاره کرد.

و دردناک تر آن که اخیراً برای تحت فشار قرار دادن فعالین سیاسی و اجتماعی، یک یا چند تن از بستگان آنان را گروگان می‌گیرند تا با ایجاد فشار روانی بر فعالین به اهداف غیر قانونی خود دست یابند که در این ارتباط می‌توان به دستگیری دو دختر آقای توسلی - یکی از فعالین سیاسی ایران - اشاره کرد و متأسفانه تا کنون هشت خانواده به این سرنوشت دچار شده‌اند.

و در این میان وضعیت مدافعان حقوق بشر از همه بدتر است زیرا مسئولین حکومتی تحت هیچ شرایطی مایل نیستند اخبار نقض حقوق بشر به خارج از ایران درز کند و به همین دلیل است که اکثر مدافعین حقوق بشر شناخته شده ایران یا در زندان هستند یا ممنوع الخروج شده یا مجبور شده‌اند به طریق مخفی و زیر زمینی زندگی کنند و متأسفانه برای چند نفر از آنان نیز به اتهام محاربه کیفر خواست صادر شده است که جزای چنین جرمی اعدام است. در چنین شرایطی مردم بی‌پناه ایران، با برخورداری از بلوغ سیاسی خود، بطور مسالمت آمیز بر خواست‌های بر حق خویش که همانا دموکراسی و حقوق بشر است پای فشرده و استقامت می‌کنند.

سؤال من از شما نمایندگان کشورهایی که عضو شورای حقوق بشر هستید آن است که تا چه زمان می‌توان جوانان را به آرامش دعوت کرد؟ صبر و حوصله مردم ایران هر چند زیاد ولی بی‌انتهاست. در صورت تکرار وقایعی که در چند ماه گذشته اتفاق افتاد و ادامه سیاست‌های سرکوب گرانه و کشتار مردم بی دفاع هر لحظه بیم آن می‌رود که فاجعه‌ای به بار آید که نه تنها آرامش ایران بلکه منطقه را بر هم زند- بنا براین برای چندمین بار درخواست می‌کنم به هر شیوه ممکن دولت جمهوری اسلامی ایران را وادار سازید تا قطع نامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل متحد را که در مورد نقض

حقوق بشر در ایران صادر شده است خصوصاً قطع نامه مورخ دسامبر ۲۰۰۹، را اجرا کرده و گزارشگران حقوق بشر به ویژه در زمینه بازداشت‌های خودسرانه، آزادی بیان، آزادی ادیان و حقوق زن را به ایران راه داده و با آنان همکاری کنند.

همچنین تقاضا مندم برای بررسی وضعیت حقوق بشر در ایران گزارش گر ویژه‌ای تعیین کنید تا بطور مرتب رفتار حکومت را رصد کرده و با تذکرات به موقع و راه کارهایی که توصیه می‌کند به خاتمه بحران سیاسی و خشونت‌های رو به تزاید دولتی کمک کند.

همکاران ارجمند توجه داشته باشید که هر یک از ما در قبال تاریخ پاسخ گو و مسئول هستیم، مبادا که فردا در قبال ملتی بی‌پناه شرمنده زد و بندهای سیاسی خود باشیم.

### بازداشت اهالی رسانه به ۵۵ نفر رسید!

کلمه: در موج دستگیری خبرنگاران در چند روز اخیر، شب گذشته حسن ظهوری خبرنگار خبرگزاری میراث فرهنگی و گردشگری (CHN) بازداشت شد. به گزارش کلمه، نیمه شب گذشته، ماموران با حضور در منزل این روزنامه نگار، ضمن بازداشت وی، کامپیوتر و کتاب‌های او را نیز ضبط کردند. دستگیری این خبرنگار میراث فرهنگی تعداد خبرنگاران در زندانهای کشور به ۵۵ نفر رسید.

دو سال پیش حسن ظهوری در تدارک برای تهیه برنامه‌ای تخصصی در حوزه میراث فرهنگی برای صدا و سیما بود که دخالت‌های سازمان میراث فرهنگی و پرونده سازی این سازمان باعث شد تا وی در صدا و سیما ممنوع‌الکار شود.

این روزنامه نگار نارسایی قلبی داشته و خانواده وی به شدت نگران وضع جسمی وی هستند. پدر و برادر این روزنامه نگار بازداشت شده بیمار هستند و وی نگهداری آنها را بر عهده داشته است.

در دو روز گذشته علاوه بر ظهوری، احمد جلالی فراهانی، احسان مهربانی، مهسا جزینی، اکبر منتجبی، سمیه مومنی، زینب کاظم خواه و علی کلایی که همگی خبرنگار بودند نیز بازداشت شدند.

روز گذشته امیر صادقی عکاس خبری نیز در محل کار خود بازداشت شد. به گزارش جرس، نیروهای امنیتی روز گذشته با حضور در دفتر روزنامه فرهنگ آشتی، امیر صادقی عکاس این روزنامه که در سایت‌های تهران ۲۴ و تهران لایو نیز فعالیت می‌کند را به اتهام انتشار عکسهای عاشورای خونین تهران بازداشت کردند.

### خلیل بهرامیان در مصاحبه با روز:

### مرتضوی پرونده ۳ اعدامی کرد را پنهان کرده بود

سعید مرتضوی، دادستان سابق تهران با برداشتن و مفقود کردن پرونده فرزند کمانگر، علی حیدریان و فرهاد وکیلی عملاً از بررسی مجدد آن پرونده جلوگیری کرده و دست کم دو بار برای به اجرا درآوردن احکام مورد اشاره تلاش کرده است. وکیل مدافع فرزند کمانگر با تأیید این خبر به روز

به نقل از ژانس خبری "فرا" افزوده است مقامات ایرانی به بهانه عدم آشنایی به زبانهای فرانسوی، آلمانی و انگلیسی از دریافت بیانییه و امضای اعتراض کنندگان خود داری کرده اند.

بنا به گزارش این پایگاه خبری، مقامات سفارت ایران در سوییس حتی پس از اعلام آمادگی بعضی از تظاهرکنندگان برای ترجمه متن بیانییه اعتراضی به زبان فارسی، باز هم از دریافت نامه های معترضین خود داری کردند و درهای سفارت را بر رویشان بستند.

بهد نبال امتناع سفارت جمهوری اسلامی در سوئیس از دریافت این نامه، تظاهرکنندگان با قرانت بیانییه ای به این مراسم خاتمه دادند. در این بیانییه به نقض مکرر حقوق بشر و برخورد نامناسب با روزنامه نگاران و دانشجویان و فعالان سیاسی و مدنی در زندانهای ایران اش اعتراض شده است.

**منبع: کاوه قریشی- روز ان لاین**

و برخلاف تمامی موازین قانونی و بی توجه به فقدان اسناد لازم به اعدام محکوم شدند

### یک زندانی کرد دیگر در معرض اعدام

تلاش برای به جریان انداختن پرونده کمانگر، وکیلی و حیدریان در حالیهست که حسین خضری دیگر زندانی سیاسی محکوم به اعدام کرد، شامگاه شنبه 17 بهمن ماه به سلول انفرادی زندان مرکزی ارومیه منتقل شده و تاکنون خبری از سر نوشت وی به دست نیامده است.

خبرگزاری هرانا با اعلام این خبر افزوده است: "ساعت 22 شب گذشته مورخ 17 بهمن ماه، تنی از نگهبانان با همراهی مسئولان بخش اجرای احکام زندان مرکزی ارومیه اقدام به انتقال حسین خضری، زندانی سیاسی محکوم به اعدام در این زندان به سلول انفرادی کردند، آقای خضری به نقل از مسئولان مورد اشاره از در شرف بودن اجرای حکم خود خبر داده بود. پس از انتقال این زندانی به سلول انفرادی از سر نوشت وی اطلاعی حاصل نشده است."

حسین خضری به اتهام اقدام علیه امنیت ملی از طریق همکاری با حزب حیات آزاد کردستان- پژاک - از سوی شعبه اول دادگاه انقلاب این شهر در خرداد ماه 88 به اعدام محکوم شد. وی در آبان ماه سال 87 توسط نیروهای امنیتی بازداشت شد و بیشتر ایام بازداشت خود را در سلول های انفرادی بازداشتگاه اطلاعات ارومیه و در شرایط فشار و بدرفتاری سپری نموده. او در حالی به اعدام محکوم شده که از داشتن وکیل مدافع منتخب و امکان دفاع از خود محروم بوده است.

هم اکنون 21 زندانی کرد در زندانهای ایران و کردستان به اتهام محاربه به اعدام محکوم شده اند که اسامی آنها به قرار زیر است: زینب جلالیان - اهل ماکو، شیرکو معارفی - اهل بانه، حبیب لطیفی - اهل سنندج، سامی حسینی - اهل سلماس، جمال محمدی - اهل سلماس، رستم ارکیا، رشید آخکندی، حسین خضری - اهل اورومیه، فرزاد کمانگر - اهل کامیاران، علی حیدریان - اهل سنندج، فرهاد وکیلی - اهل سنندج، مصطفی سلیمی - اهل سقز، انور رستمی، ایرج محمدی - اهل میاندوآب، محمد امین آگوشی - اهل پیرانشهر، احمد پولادخانی - اهل پیرانشهر، حسن طالعی - اهل ماکو، شیرین علم هویی - اهل ماکو، عزیز محمد زاده - اهل سقز، محمد امین عبدالهی و قادر محمد زاده - اهل بوکان.

### سفیر نامه معترضان را نگرفت

کردهای مقیم سوییس در اعتراض به صدور و اجرای احکام اعدام برای زندانیان سیاسی در ایران و به ویژه کردستان، طوماری با 3 هزار امضا تهیه کردند. آنان سپس با برگزاری تجمعی اعتراضی در مقابل سفارتخانه ایران در این کشور، کوشیدند نامه خود را به سفیر جمهوری اسلامی در سوییس تحویل دهند، اما گردانندگان این سفارت از دریافت بیانییه اعتراضی و طومار امضا کنندگان خوداری کردند. پایگاه محلی "کوردیش پرسپکتیو" با اعلام این خبر

می گوید: "حدود 10 روز پیش مدیر دفتر دادستان کنونی تهران به بنده گفتند که پرونده اعاده دادرسیست موکلم به تازگی به نظر آقای دادستان رسیده و تا کنون این پرونده در کشور دادستانی بوده است."

خبرگزاری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران- هرانا - با اعلام اینکه از بررسی مجدد پرونده 3 زندانی محکوم به اعدام کرد از سوی دادستان سابق تهران جلوگیری به عمل آمده، نوشته است:

"مرتضوی تا ماهها پس از درخواست تقاضای مورد اشاره دستگاه قضایی از پاسخوگی نسبت به نتیجه آن طفره رفته و از اواسط مهرماه سال گذشته مفقود شدن پرونده و نامشخص بودن موقعیت آن را به خانواده ها و وکیل زندانی اطلاع داده بود."

خلیل بهرامیان، وکیل مدافع فرزاد کمانگر در مصاحبه با روز با اشاره به طفره رفتن دستگاه قضایی در مورد اجرای ماده 18 و درخواست اعاده دادرسی در زمان دادستانی آقای مرتضوی می گوید: "علیرغم پیگیری هایی مکرر بنده و دیگر وکلای این 3 زندانی کرد و نظر مساعد آقای شاهرودی بر پرونده کمانگر و دیگران، با توجه به اینکه آقای مرتضوی مطابق روال حقوقیش که با مساله قانون و هیچ یک از ضوابط کار قانونی سر و کار نداشت، نهایتاً به معاونش، آقای سالار کیا، دستور میدهد که پرونده را در کشور دادستانی نگه دارد و هیچ اقدامی انجام ندهد تا در موقع معین بتواند احتمالاً احکام را اجرا کند."

این وکیل دادگستری در ادامه توضیحات خود در مورد مسیر قانونی پرونده موکلمش می افزاید: "بعد از کشف مجدد پرونده موکل بنده و آقایان وکیلی و حیدریان، دادستان کنونی تهران پرونده را به معاون خود خانم دکتر اسدی جهت تهیه گزارش ارجاع داده است، اما تا پایان وقت اداری دیروز هنوز هیچ گزارشی از این پرونده تهیه نشده بود."

خلیل بهرامیان وکیل مدافع پرونده فرزاد کمانگر در پایان با اشاره به تلاشهای مشترک با وکلای فرهاد حیدری و علی حیدریان، جهت پیگیری اعاده دادرسی پرونده موکلانشان به روز گفت: "تمام تلاش ما این است که محاکمه مجدد انجام شود و پرونده طبق قانون رسیدگی و بیگناهی موکل من که کمترین عمل خلافی انجام نداده ثابت شود."

هرانا در ادامه گزارش خود در مورد مفقود شدن پرونده این 3 زندانی محکوم به اعدام افزوده است: "در مدت دو سال اخیر دست کم در دو نوبت در مورخه 6 مرداد 87 (واقعه اعدام 29 زندانی) و اسفندماه 87 (واقعه اعدام 3 زندانی) زندانیان مورد اشاره جهت اجرای حکم اعدام به بند 240 زندان اوین منتقل شدند، اما اجرای احکام با دخالت قسمتی از وزارت اطلاعات که مخالف این موضوع بود موقتاً متوقف شد."

فرزاد کمانگر، علی حیدریان و فرهاد وکیلی توسط شعبه 30 دادگاه انقلاب به ترتیب به اعدام، 10 سال زندان و اعدام و 10 سال زندان و اعدام محکوم شده اند. این سه فعال مدنی و سیاسی در اردیبهشت ماه سال 85 بازداشت و پس از بیش از 18 ماه بازداشت توام با شکنجه های جسمی متعدد در اداره های اطلاعات کرمانشاه، سنندج و بند 209 زندان اوین، سرانجام در تاریخ 10/11/86 در شعبه 30 دادگاه انقلاب به ریاست قاضی تیرامی به مدت 7 دقیقه، به اتهام آنچه که محاربه از طریق عضویت و همکاری با حزب کارگران کردستان - پ ک ک- خوانده شده .

### دو رباعی تازه

#### هادی خرسندی

اعدام جوانان وطن کار شماسست

فردای شما به چوبه‌ی دار شماسست

بدکاره چنین، کدام دین، دین شماسست؟

خونخواره چنین، کدام علی یار شماسست؟

-----

گر رهرو و گر رهزن و گر راهبری

هر روز ز روز پیش خونخوارتری

خواهی که فهمند تو چه جانوری

برخیز و دمی تکان بده که بشری!







### گزارش لوس آنجلس تایمز از فراخوان درخواست روزنامه نگاران ایرانی از همتایان خارجی

گروهی از روزنامه نگاران ایرانی خارج از کشور با انتشار نامه ای از همتایان خارجی خود خواستند فریب مقامات ایران در مراسم سالگرد انقلاب اسلامی در 22 بهمن ماه جاری را نخورند. انتظار می رود این روز به یک رویارویی دیگر میان تندروهای متحد با محمود احمدی نژاد و جنبش سبز مخالفان تبدیل شود.

در این نامه که به زبان های فارسی، انگلیسی و آلمانی در فیس بوک و سایر وب سایت ها قرار داده شده است، به خبرنگاران بازدید کننده از ایران گوشزد شده است که ده ها همکار ایرانی آنها پشت میله های زندان هستند و دولت به سرکوب رسانه های مخالف خود شدت بخشیده است. اکنون مقامات در صدد هستند با استفاده از امکانات دولتی، جمعیت عظیمی را برای شرکت در راهپیمایی به تهران بیاورند. آنها قصد دارند با ممانعت از ورود مخالفان به منطقه محل سخنرانی احمدی نژاد و استقرار خبرنگاران، آنها را بی اعتبار کنند و به حاشیه برانند.

در این نامه آمده است: "دولت غیرقانونی و تقلبی اکنون که بعد از هشت ماه به نتیجه دلخواه نرسیده، نمایش تازه ای را تدارک دیده است. دعوت از خبرنگاران خارجی برای پوشش دادن مراسم سالگرد انقلاب در روز 11 فوریه 2010 بخش دیگری از نقشه فریبکارانه دولت غیر قانونی محمود احمدی نژاد است."

در این نامه خاطر نشان شده است که دولت به بازداشت، حبس و ایجاد محدودیت برای روزنامه نگاران خارجی ادامه می دهد و حتی برخی از آنان را به جاسوسی متهم کرده است. در نامه آمده است: "اکنون دولت با دعوت از خبرنگاران رسانه های جهانی، می خواهد به نمایش مردمی بودن خود، پوشش جهانی بدهد. روش حکومت ایران هدایت خبرنگاران بسوی تظاهرات دولتی و ممانعت از حضور آنها در نقاط دیگر است."

در این نامه از روزنامه نگاران خارجی خواسته شده چشم و گوش خود را باز نگهدارند و فریب ماشین تبلیغاتی دولت را نخورند.

در نامه آمده است: "مانند روز های مشابه، دولت کودتایی مسیرها را کنترل خواهد کرد تا مردمی که از مقابل دوربینهای شما می گذرند، بسیجیانی باشند که نمایش مضحکی از يك ملت را برای دوربینهای تلویزیونی به صحنه می برند. اگر به پشت میله ها و حصارها و به مردم واقعی ایران بنگرید، می توانید صدای اعتراض ملت ایران را واضح تر از همیشه بشنوید."



همکارانش در سفارت به بحث درباره وضعیت سیاسی ایران می نشست: "در ماه های اخیر اغلب سر نهار راجع به این مسئله صحبت می کردیم. من می گفتم حکومت نمی تواند دست به این اعمال بزند و همکارانم حرف مرا تأیید می کردند". حیدری در این بحث ها به اطرافیان اطمینان می داد که تظاهرات عاشورا در ارامش برگزار خواهد شد. اما با دیدن صحنه های تیراندازی نیروهای امنیتی و کشته شدن مردم تصمیمش را گرفت.

محمد رضا حیدری در سال 1979 که انقلاب رخ داد 12 ساله بود و اکنون 43 ساله است: "یادم می آید پدر و برادر بزرگم که برای شرکت در تظاهرات به خیابان می رفتند به من می گفتند آزادی در راه است". بعد از پایان تحصیلات دبیرستان در بحبوحه جنگ ایران و عراق (1988-1980) به خدمت سربازی رفت. با انگشتانش سال ها حساب می کند و می گوید الان مطابق تقویم فارسی سال 1388 است و سال 1365 من سرباز بودم یعنی "23 سالم بود". در جنگ پس از زخمی شدن از ناحیه دست و پا بر اثر انفجار گلوله خمپاره، از خدمت مرخص می شود.

محمد رضا حیدری به توصیه برادرزانش که کارمند وزارت امور خارجه بود و به او وعده "سفر" می داد در کنکور ورودی این وزارتخانه ثبت نام کرد. اما زخم های جنگ به قدری آزارش می داد که شرکت او را در کنکور سه سال به تعویق انداخت تا بالاخره در امتحان ورودی قبول شد. سال 1989 بود و آیت الله خمینی تازه درگذشته بود. هاشمی رفسنجانی که در انتخابات ریاست جمهوری پیروز شده بود قول بازسازی کشور و ترمیم ویرانی های جنگ را می داد. حیدری از خود به عنوان "یک کارمند نمونه" یاد می کند. در مأموریت های خارج از کشور مراجعین به سفارت او را به تعصب داشتن نسبت به حاکمیت متهم می کردند اما او پاسخ می داد: "من برای شما کار می کنم نه برای حکومت". حیدری بیست سال به عنوان دیپلمات در وزارت امور خارجه مشغول به کار بوده و بعد از انجام مأموریت در گرجستان و آلمان سه سال پیش به نروژ منتقل شد. وی اخیراً از نروژ تقاضای پناهندگی کرده است زیرا به دلیل نداشتن گذرنامه نمی تواند به تقاضاهای روزافزون برای دعوت از او پاسخ مثبت دهد. در مورد پدر و هشت برادر و خواهرش و همچنین خانواده همسرش که در ایران زندگی می کنند می گوید که آن ها را "موقع مراجعه ادارات اذیت می کنند".

در اوائل ژانویه سه تن از مقامات ایرانی از تهران به نروژ آمدند تا او را قانع کنند پوزش بخواد و به کشور بازگردد و به او اطمینان دادند که اگر اعتراف کند که خطا کرده است در ایران با آغوش باز از او استقبال خواهد شد. موقع اشاره به این مطلب حیدری لیخنند بر لب دارد. در نروژ احساس عدم امنیت نمی کند چون تحت مراقبت پلیس قرار دارد. در پایان با لحنی آرام می گوید: "کارکنان سفارت ایران دوستان منند فقط نگرانم که نکند به زودی آن ها را به ایران بگردانند."

## در جهان

### گفت و گوی لوموند با

### محمد رضا حیدری

### انقلابی نمونه، کنسول معترض در اسلو

محمد رضا حیدری نخستین دیپلمات ایرانی است که متعاقب انتخاب مجادله برانگیز احمدی نژاد به ریاست جمهوری در ژوئن 2009 کار خود را رها می کند. وی در اوائل ژانویه از سمت کنسولی سفارت ایران در نروژ کناره گرفت و سپس، برای ترغیب دیگر دیپلمات های ایرانی به اقدامی مشابه، کمپین "سفارت سبز" را با بهره گیری از رنگی که نماد معترضین ایرانی است به راه انداخت. حیدری می گوید: "تا حالا بیست و سه نفر از همکارانی که دیدگاهی مشابه دارند از سفارت خانه های ایران در اروپا و آفریقا و آسیا با من تماس گرفته اند". مصاحبه خبرنگار لوموند با حیدری در آپارتمانی که سفارت ایران در اسلو در اختیارش گذاشته انجام می گیرد. پرداخت کرایه آپارتمان بزرگ و مجهز به وسائل رفاهی حیدری که درست روبروی سفارت آرژانتین قرار دارد و کاج مصنوعی نوئل همچنان گوشه ای از آن را مزین کرده است هنوز به عهده سفارت ایران است. حیدری تا چند روز دیگر باید به همراه همسر و دو پسر چهارده و هفده ساله اش این آپارتمان را ترک کند.

او بسیاری از کارمندان وزارت امور خارجه را مخالفان خاموش نظام می داند و احتمال می دهد که بسیاری از دیپلمات هایی که مخفیانه با او تماس گرفته اند از کار کناره گیری کنند: "تا حالا این کار را نکرده اند چون از اقدامات تلافی جویانه [حکومت] علیه خودشان یا اعضای خانواده هایشان که در ایران هستند می ترسند. منتظرند ببیند در مراسم بزرگداشت انقلاب در 22 بهمن چه اتفاقی می افتد. ممکن است آن روز موضع گیری کنند". به گفته حیدری خودش هم قرار است به مناسبت 22 بهمن در مقابل نمایندگان مجلس نروژ سخنرانی کند. کمپین "سفارت سبز" با کمک کمیته پشتیبانی ایران و نروژ علاوه بر آغاز به فعالیت بر روی شبکه های اجتماعی اینترنتی نظیر فیس بوک مشغول راه اندازی یک سایت اینترنتی است و تلاش می کند از طریق برنامه های فارسی کانال های رادیو تلویزیونی غربی پیام های خود را به گوش ایرانیان برساند.

نقطه بدون بازگشت برای محمد رضا حیدری با سرکوب خونین تظاهرات روز عاشورا در 27 دسامبر شروع شد: "وجدانم بیش از این اجازه نمی داد در خدمت این نظام باشم و برایش کار کنم". حیدری ضمناً اذعان می کند که همسر و پسرش مشوق او در اتخاذ این تصمیم بوده اند: "پسرم می گفت با آدم هایی کار می کنی که همفکران ما را می کشند. چطور می توانی برای این حکومت کار کنی؟".

برای خود او نیز از مدت ها پیش سئوالاتی مطرح شده بود و کنسول ایران که در انتخابات ژوئن 2009 از زمره هواداران خاموش نامزد اصلی انتخابات و رقیب احمدی نژاد، میرحسین موسوی بود غالباً با



## راههای سبز

### ۴۰ برنده جایزه نوبل محمود

### احمدی نژاد را تقبیح می‌کنند

بیش از چهل برنده جایزه نوبل از سراسر جهان در بیانیه‌ای که قرار است در روزنامه نیویورک تایمز به چاپ برسد ضمن تقبیح محمود احمدی‌نژاد «سرکوب گسترده مردم ایران را محکوم» کرده‌اند.

به گزارش روزنامه اسرائیلی هآرتص در روز جمعه، الی ویزل، برنده جایزه صلح نوبل و پراوازترین بازمانده اردوگاه‌های نازی‌ها، میتکر جمع‌آوری امضا برای این بیانیه از سوی برندگان جوایز نوبل علیه جمهوری اسلامی ایران است. به نوشته هآرتص، در این بیانیه که قرار است بر یک صفحه کامل نیویورک تایمز و هرالڈ تریبیون، نسخه بین‌المللی این روزنامه، منتشر شود، برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی «خطری برای بشریت» توصیف و «سرکوب گسترده حقوق انسانی مردم ایران محکوم» شده است.

هآرتص می‌نویسد: «انتشار این بیانیه با امضای برندگان جایزه نوبل بخشی از تلاش‌های گسترده و جهانی الی ویزل برای آگاه کردن افکار عمومی و دولت‌مردان دنیا از خطرات ناشی از سیاست‌های محمود احمدی‌نژاد برای صلح جهانی است.» الی ویزل همچنین در چارچوب این تلاش‌ها در روزهای اخیر نیز در پارلمان کشورهای مجارستان و ایتالیا سخنرانی کرده است.

به گزارش هآرتص، در تاریخ پارلمانی ایتالیا سابقه نداشته است که یک شخصیت مستقل خارجی در نشست مشترک مجلس و سنای ایتالیا سخنرانی کند. تنها خوان کارلوس، پادشاه اسپانیا، و پاپ، رهبر کاتولیک‌های جهان، در نشست مشترک مجلس و سنای ایتالیا سخنرانی کرده‌اند.

به گزارش هآرتص، آقای ویزل در دیدار با دولت‌مردان اروپایی در هفته‌های اخیر تاکید کرده است که «غیرقابل قبول است که احمدی‌نژاد به عنوان رئیس جمهور یک نظام که از نابودی ملت یهود سخن می‌گوید از مصونیت برخوردار باشد و از مجازات در امان بماند.»

آقای ویزل در دیدار با دولت‌مردان اروپایی همچنین خواهان پشتیبانی آنها از تنگ کردن حلقه تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی شده است.

آقای ویزل همچنین در مصاحبه‌ای با روزنامه هآرتص گفته است که وی از مناسبات خود با رهبران جهانی و روسای دولت‌ها استفاده خواهد کرد تا به مخاطبانش نسبت به «نیات» احمدی‌نژاد هشدار بدهد.

آقای ویزل به هآرتص گفته است که «دولت‌ها وظیفه دارند تا راه احمدی‌نژاد را سد کرده و تلاش کنند او را به خاطر فتنه‌انگیزی آشکار برای نسل‌کشی، به دیوان بین‌المللی لاهه بکشانند.»

الی ویزل در سال‌های اخیر از سخنرانان اصلی آئین‌های اعتراضی در شهر نیویورک به هنگام حضور محمود احمدی‌نژاد در نشست‌های مجمع عمومی سازمان ملل متحد بوده است.

آقای ویزل، ۷۱ ساله، زاده «سیگت» در رومانی، یک سال پس از آغاز جنگ جهانی دوم، هنگامی که یازده ساله بود همراه خانواده‌اش و یهودیان رومانی در اردوگاه‌های مرگ و کار اجباری نازی‌ها محبوس شد.

می‌شود.

ولی برای تولید سوخت اتمی، مثلاً برای راکتور پژوهشی تهران مزاحمتی ایجاد نمی‌کند؟

برای تولید سوخت یک مشکل دیگر وجود دارد. ایرانی‌ها می‌توانند اورانیوم بیست درصد غنی شده تولید کنند، البته همانطور که گفتیم با ناخالصی. ولی بعداً از این اورانیوم غنی شده باید سوخت تولید شود و تاکنون تنها در فرانسه و آرژانتین مراکزی برای تولید سوخت راکتورهای پژوهشی مثل راکتور تهران وجود دارد. یعنی ایران راهی طولانی در پیش دارد.

یعنی ایران از نظر تکنولوژیکی در آن سطحی نیست که بتواند سوخت برای راکتور تهران تولید کند؟

من فکر می‌کنم که ایران توانایی تولید سوخت برای راکتور پژوهشی ندارد.

آقای احمدی نژاد اعلام کرده که ایران به توانایی غنی سازی اورانیوم با لیزر دست پیدا کرده. معنا و اهمیت این حرف چیست؟

چندین دهه است که در کشورهای مختلف جهان روی غنی سازی با لیزر پژوهش می‌شود. این کار شدنی است، ولی فرآیند دشواری است و مقادیری که از این راه غنی می‌شود، خیلی کم است. به این ترتیب، غنی سازی با لیزر بیشتر جنبه آزمایشگاهی دارد. غنی سازی از این راه برای یک راکتور پژوهشی یا نیروگاه اتمی هنوز عملی نیست و فکر نمی‌کنم ایران هم بتواند این کار را انجام دهد. تولید آزمایشگاهی یک چیز است و تولید در سطح صنعتی چیز دیگری است، چراکه استفاده از لیزر برای غنی سازی از نظر اقتصادی مقرون به صرفه نیست. البته اگر ایران تنها یک راه برای غنی سازی داشته باشد، دیگر هزینه برایش مطرح نیست. یعنی اگر ایران با غنی سازی با سانتریفیوژ مشکل داشته باشد (به خاطر وجود ناخالصی و آلودگی) آنگاه دیگر هزینه برایش معنایی نخواهد داشت و می‌تواند به سراغ غنی سازی با لیزر برود. زیرا در این شیوه دیگر ناخالصی وجود ندارد. این البته دری است که برای ایران وجود دارد و می‌تواند بازش کند.

منبع: محمدرضا کاظمی - رادیو فردا



برونو پهلوکارشناس مسائل هسته‌ای و مدیر سابق پادمان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی:

### ایران نمایش بازی کرد

محمود احمدی‌نژاد در حالیکه خود هفته گذشته در یک گفت‌وگوی تلویزیونی، اعلام کرده بود که ایران مشکلی برای مبادله سوخت ۳.۵ درصد در خارج از مرزهای خود ندارد، اکنون از سازمان انرژی اتمی ایران خواسته است که «در عین حال که آمادگی مذاکره برای تبادل سوخت وجود دارد»، «غنی‌سازی ۲۰ درصدی را آغاز کند.»

گفته‌های رئیس دولت دهم با واکنش‌های مختلفی روبه‌رو شده است. مقام‌های آمریکایی از کشورهای جهان و به ویژه همپیمانان خود خواسته‌اند بر تحریم‌های ایران شدن بختند.

رابرت گیتس، وزیر دفاع آمریکا از قدرت‌های جهانی خواست تا برای توقف برنامه هسته ای ایران متحداً بر این کشور فشار وارد کنند و تحریم‌های بیشتر را در دستور کار قرار دهند.

ولی آیا ایران قادر است اورانیوم را تا حد بیست درصد غنی کند؟ این پرسش و پرسش‌های دیگر در این مورد را با دکتر برونو په لو، کارشناس مسائل هسته‌ای و مدیر سابق پادمان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، در میان گذاشته‌ایم؛

برونو په لو: بله من فکر می‌کنم ایران می‌تواند اورانیوم را به میزان بیست درصد غنی کند چرا که آن دستگاه‌هایی که ایران الان استفاده می‌کند، توانایی این کار را دارند و پروسه غنی سازی هم همان پروسه ای است که برای تولید اورانیوم با غنی کم انجام می‌شود. ولی مشکلی که وجود دارد در ناخالصی است که در اورانیوم غنی شده توسط ایران وجود دارد. گزارش شده است که در فرآیند خلص سازی سنگ اورانیوم که در اصفهان انجام می‌شود، مقدار زیادی عنصر مولیبدن در اورانیوم باقی می‌ماند. مولیبدن یک عنصر ناخواسته و مزاحم در کار غنی سازی اورانیوم به شمار می‌رود و مشکل آنجاست که این عنصر در فرآیند غنی سازی همگام با اورانیوم غنی می‌شود. این بدین معناست که ایرانی‌ها می‌توانند تا چند ماه دیگر اورانیوم بیست درصد غنی شده داشته باشند. ولی به احتمال زیاد این اورانیوم حاوی ناخالصی است و هرچقدر غنی اورانیوم بالاتر برود، وضع ناخالصی بدتر می‌شود. از این رو ایران کار دشواری در پیش رو دارد. ایران می‌خواهد بگوید که غربی‌ها به حرفش گوش نمی‌دهند، به حرف‌های متکی، وزیر خارجه توجهی نکردند، پس حالا ما خودمان اورانیوم بیست درصد غنی شده تولید می‌کنیم. من فکر می‌کنم ایران اینجا نمایشی بازی کرد. چند روز پیش احمدی نژاد اعلام کرد ایران حاضر به مبادله اورانیوم هست. بعد منوچهر متکی در مونیخ حرف‌های مشابهی زد. تمام این حرف‌ها در حقیقت مقدمه چینی بود برای حرف‌های روز یکشنبه آقای احمدی نژاد.

آقای په لو، عنصر مولیبدن دقیقاً چه مزاحمتی برای روند غنی سازی ایجاد می‌کند؟

آقای په لو، عنصر مولیبدن دقیقاً چه مزاحمتی برای روند غنی سازی ایجاد می‌کند؟

این عنصر برای غنی سازی به میزان ۹۰ درصد مزاحمت ایجاد می‌کند و در صورتی هم که ایران بخواهد بمب اتمی بسازد، مولیبدن مانع محسوب



مادرش را دیگر ندید، و مدتی همراه پدرش در اردوگاه‌های آشوبینس و بوخن‌والد فجایع بسیاری را تحمل کرد، اما در نهایت پدرش را جلو چشمانش در بوخن‌والد کشتند.

آقای ویزل از سال ۱۹۵۶ در آمریکا زندگی کرده، و کتاب «شب» او خاطرات نوجوانی‌اش را در اردوگاه‌های نازی‌ها شرح می‌دهد. تازه‌ترین ترجمه این کتاب به فارسی سال ۲۰۰۹ در آمریکا منتشر شد. آقای ویزل در سال ۱۹۸۶ برنده جایزه صلح نوبل شد.

گفتنی است که آخرین بار که برخی از برندگان نوبل نامه‌ای در ارتباط با ایران نوشتند، نامه چند ماه پیش ۱۴ برنده صلح نوبل به محمود احمدی‌نژاد در حمایت از شیرین عبادی و خانواده او بود.

میترا فرهمند

### گزارشی از لس آنجلس تایمز

### دروغ‌های تصویری حکومت ایران



جاشوا پراگر

در روز 20 ژوئن، در جریان اعتراض گسترده به نتایج انتخابات که منجر به ریاست جمهوری مجدد محمود احمدی‌نژاد شد، یک دختر جوان کشته شد. میلیون‌ها نفر در سرتاسر جهان فیلم جان دادن ندا آقا سلطان در خیابان کارگر را دیدن و چهره او تبدیل شد به چهره تراژیک و زیبا و درخشان جنبش اصلاح طلبی ایران.

شاهدان می‌گویند که ندا آقا سلطان بدست یک بسیجی کشته شد. اما یکی از سفرای ایران به عجله مرگ او را به گردن سیا و دوستانش که در تظاهرات او را همراهی کرده بودند انداخت و تلویزیون دولتی ایران هم در مستندی که ماه گذشته پخش کرد، عامل مرگ ندا را رسانه‌های غربی و شخص خودش عنوان کرد.

سی سال پیش، یک تصویب‌نامه سمبولیک از کشته شدن مردم در جهان منتشر شد. تصاویر اعدام دستجمعی که توسط دولت نوبت جمهوری اسلامی، تکذیب شد.

تکذیب آن عکس‌ها نشان می‌دهد که رهبران جمهوری اسلامی، در مقابل مرگ ندا آقا سلطان چه واکنشی نشان دادند. آن تصاویر نشان داد که دروغ‌های حکومت نمی‌تواند از تاثیر یک تصویر بکاهد. در ماه اوت سال 1979، هفت ماه بعد از سقوط شاه، شادمانی بعد از انقلاب جایگزین واقعیت بنیادگرایی اسلامی شد، چادرهای سیاه، بطری‌های شکسته مشروب، سانسور، اعدام در ملا عام، اعتراض‌ها در تهران با حضور جمعیت زیادی از مردم شکل گرفت و در کردستان، جدایی طلبان خواستار جدایی کردستان شدند. روز 16 اوت، آیت‌الله روح‌الله خمینی، نظامیان را برای سرکوب این جنبش روانه کرد.

نظامیان به مدت 11 روز کرد‌ها را کشتند و در روز 27 اوت، 11 نفر از «ضد انقلابیون» را در سنندج به اعدام محکوم کردند.

احسان و شهریار ناهید هم جزو محکومان به اعدام بودند. احسان که در تهران مهندس بود، بعد از انقلاب به سازمان جدایی طلب کردستان پیوست و به سنندج نقل مکان کرد. شهریار، دانشجوی پزشکی بود و در زمان دستگیری به دیدار برادرش رفته بود. مادر آنها از تهران برای کمک به پسرانش شتافت. او آنها را در بیمارستانی در نزدیکی فرودگاه پیدا کرد. اما وقتی به آنجا رسید که دو پسر جوانش را به همراه نه نفر دیگر در محوطه خاکی به جوخه اعدام سپرده بودند. او قرآنی را که زیر لباسش حمل می‌کرد به زمین انداخت و به زبان کردی گفت: «من دیگر مسلمان نیستم.»

بعد از ظهر روز بعد، عکس صحنه اعدام به روزنامه اطلاعات، قدیمی‌ترین روزنامه ایران رسید. ناگهان 500 نفری که گفته می‌شد قربانیان جوخه‌های اعدام آیت‌الله هستند، صاحب‌چهره شدند. روزنامه در کیوسک‌ها نایاب شد. روز بعد، عکس به صفحه اول روزنامه‌های جهان رسید. یک هفته بعد از اینکه برادران ناهید در قبرستان تاله سنندج به خاک سپرده شدند، برادرشان، فرهاد، تمام پس اندازش را برای فتوکپی کردن عکس اعدام برادرانش خرج کرد؛ او و دوستانش عکس را در همه جای تهران پخش کردند. بعد از آن مادرش در جلسه‌ای که نخست‌وزیر وقت، مهدی بازرگان، محمود طالقانی و حاج سیدجواد حضور داشتند، عکس را نشان داد.

دولت پاسخی که منیر ناهید در انتظارش بود را نداد. صادق خلخالی، قاضی که پسرانش را به مرگ محکوم کرده بود، در تلویزیون اعلام کرد که او این عکس را ساخته است و یکی از بستگان خواهر شاه مخلوع است. چنین چیزی نبود. بعد ها، قاضی بار دیگر به تلویزیون رفت و اعلام کرد که این عکس را اسرائیلی‌ها ساخته‌اند. در روز 9 سپتامبر، احمد آذری قمی، دادستان انقلاب، با اشاره به این عکس معروف گفت: «به دستور امام خمینی، خبرنگاران باید از نوشتن جملات و تیترها و عکس‌های خشن که موجب آزار مردم می‌شود، بپرهیزند.»

در 8 اکتبر، یک روز بعد از اینکه مادر برادران ناهید در جمعی در دانشگاه تهران سخنرانی کرد، پلیس به خانه‌اش در خیابان سیدخندان هجوم برد. اما او شش صبح همان روز با نام خانوادگی خودش به آلمان پرواز کرده بود. بیست روز بعد به آمریکا رفت و اکنون ساکن لس آنجلس است.

در آوریل 1980، این عکس برنده جایزه پولیتزر شد. جهانگیر رزمی، برنده جایزه، ناشناس باقی ماند تا اینکه من با اجازه خودش در سال 2006، داستانش را در وال استریت ژورنال منتشر کردم. سال بعد، خانم ناهید در مراسم شامی در نیویورک، مردی را که لحظه مرگ فرزندان را عکاسی کرده بود، در آغوش گرفت.

شش ماه پیش، منیر ناهید، که 84 ساله است، تصاویر مرگ ندا آقا سلطان را دید و دروغ‌های حکومت را هم شنید. او می‌گوید که بعد از مرگ پسرانش، مردم ایران فهمیده‌اند که دولت به آنها دروغ می‌گوید و دولت هم می‌داند که مردم از حقیقت آگاه هستند. اما، او به یک تفاوت اشاره می‌کند. در سال 1979، مردم ایران دلشان می‌خواست که دروغ‌های حکومت را در مورد مرگ پسرانش باور کنند چون این

حکومتی بود که خودشان بر سر کار آورده بودند. امروز، دروغ‌هایی که در مورد مرگ ندا آقا سلطان می‌گویند، به گوش کسی نمی‌رود چون از جانب دولتی گفته می‌شود که بسیاری از ایران برای تغییر آن به پای صندوق‌های رای رفتند و رایشان نادیده گرفته شد. خانم ناهید می‌گوید که دولت برای ترس خود دلایلی دارد.

### تحلیل گاردین از آینده حکومت دینی ایران موتور انقلاب اسلامی در آستانه توقف



رابرت تیت-نوشین حسینی  
تصویر ورود آیت‌الله خمینی به خاک ایران پس از 15 سال تبعید، نقطه عطف نمادین انقلاب ظرف سه دهه گذشته بوده است.

در این تصویر مشهور، رهبر معنوی ایران آرام از پلکان هواپیمای خطوط هوایی فرانسه پائین می‌آید، در حالیکه بوسیله فردی با یونیفرم خلبانی همراهی می‌شود. این تصویر آمیزه‌ای از غرور، محبت و قهرمان ستایی دینی را به نمایش می‌گذارد که قرار بود انقلاب در میان ایرانی‌ها بوجود آورد.

پس از موجی از ناآرامی‌های عمومی که به سرنگونی رژیم غربی محمد رضا شاه پهلوی در ایران انجامید، خمینی به کشور باز می‌گشت تا از سوی هموطنانش به عنوان یک منجی مورد استقبال قرار بگیرد.

اما هفته گذشته و همزمان با آغاز جشن‌های دهه فجر در ایران، آن تصویر تحت الشعاع داستانی دیگر قرار گرفت: بی‌ثباتی حاکم بر میراث انقلاب و ادامه بحران موجود بر سر انتخاب مجدد و بحث انگیز محمود احمدی‌نژاد به عنوان رئیس‌جمهور ایجاد شده است.

مرکز حفظ اسناد انقلاب اسلامی که به دولت ایران نزدیک است، در وب‌سایت خود ادعا کرد ماجرای زندگی ژنرال ژان فابین باتاش، محافظ خمینی را پیگیری کرده است. در این گزارش که بر اساس مصاحبه با فابین باتاش تهیه شده، وی به عنوان یک افسر سابق پلیس فرانسه با ملیت الجزایری معرفی شده که محافظت از خمینی در دهکده نوفل‌لوشاتو در خارج از پاریس را برعهده داشته است. این دهکده محل زندگی خمینی در ماه‌های قبل از انقلاب بود؛ دوره‌ای که وی منتظر سقوط شاه بود.

خمینی با اطلاع از اینکه فابین دارای همسر ایرانی است و می‌تواند به فارسی صحبت کند، از او دعوت کرده بود در پرواز به تهران وی را همراهی کند. پس از آن، فابین باتاش در ایران ماند و دوران سختی را پشت سر گذاشت. گفته می‌شود کار وی به خیابان‌ها افتاد و محبوب بود از خانه یک دوست به خانه دوستی دیگر برود تا بتواند جایی برای خوابیدن پیدا کند. این وصله ناجوری برای پدر انقلاب ایران محسوب می‌شود. همانطور که انتظار می‌رفت، این ماجرا ظرف یک روز تکذیب شد و بر آن نام توطئه گذاشته شد. مرکز حفظ اسناد انقلاب خیلی سریع این مطلب را از روی وب‌سایت خود حذف کرد و توضیح داد که درباره اعتبار و صحت عقل فابین باتاش، «شبهات جدی» وجود دارد.





## راههای سبز

این داستان چه درست باشد و چه غلط، نشان از سوء مدیریت موجود در آستانه سی و یکمین سالگرد انقلاب ایران دارد. به طور معمول، جشن های انقلاب ایران فرصتی برای تجدید قوای نهادهای کشور محسوب می شوند. اما در عوض، به نظر می رسد طوفان به پا شده بر سر پیروزی بحث انگیز احمدی نژاد در انتخابات، سبب تزلزل تشکیلات نظام شده است.

درگیری مهدی میر ابوطالبی سفیر ایران در فرانسه با پلیس این کشور، آن هم لحظاتی پس از ورود وی به مراسمی در نوفل لوشاتو در یکشنبه گذشته، مثالی از این واقعیت است. ابوطالبی که از اعتراض تظاهرکنندگان مخالف به خشم آمده بود، پس از آنکه یکی از افراد پلیس را به کناری هل داد، توسط نیروهای پلیس دستگیر شد. البته لحظاتی پس از آنکه یکی از همکاران سفیر به پلیس گفت وی از مصونیت دیپلماتیک برخوردار است، وی را آزاد کردند.

همزمان با فراخوان میرحسین موسوی و مهدی کروبی از طرفدارانشان برای حضور در مراسم پنجشنبه و اعتراض علیه سرکوب وحشیانه رژیم، صحنه برای یک رویاروی تازه آماده شده است. در نتیجه سرکوب خشونت بار دولتی در جریان آنچه حکومت تندرو «فتنه» می خواند، دست کم 80 نفر کشته شده اند، هزاران نفر دستگیر شده اند و دو نفر اعدام شده اند. 9 نفر دیگر نیز پس از محکوم شدن به «محاربه»، در صف اعدام قرار دارند.

موسوی در مصاحبه هفته گذشته خود با وب سایت کلمه مسؤلان را متهم کرد که زندان ها را «با خالص ترین و متعهدترین فرزندان ملت» پر کرده اند. وی هشدار داد جمهوری اسلامی در خطر تبدیل شدن به دیکتاتوری بدتر از رژیم شاه است. او گفت: «خودکامگی به نام دین، بدترین نوع دیکتاتوری هاست».

از نظر خامنه ای که در سال 1989، جای خمینی را گرفت، چنین سخنانی به منزله کفر و الحاد است. وی که علناً از پیروزی تردید آمیز احمدی نژاد در انتخابات حمایت کرده است، جنبش سبز مردم را خیمه شب بازی با توطئه غرب می داند که در پی «انقلاب مخملی» و براندازی نظام اسلامی است. اما افراد دیگری که در به ثمر رسیدن انقلاب نقش داشتند، دیدگاه دیگری دارند. ابولحسن بنی صدر اولین رئیس جمهور اسلامی است که پس از دستور خمینی به مجلس برای ساقط کردن وی در سال 1981 از کشور گریخت. وی می گوید اگر رهبر قبلی ایران زنده بود، از رویکرد فعلی خامنه ای برای رویارویی با اصلاح طلبان حمایت می کرد. به گفته بنی صدر که رفتارهای خمینی را پیش و پس از ورود به کشور تحت نظر قرار داده است، آرمان های خمینی در قبل از انقلاب و در دوره تبعید در فرانسه، پوششی برای سوء استفاده از مردم بوده است. او همواره قصد داشته به محض در دست گرفتن قدرت، از این پوشش بیرون بیاید. بنی صدر گفت: «خمینی خودش چندین بار این را گفته است: من به اقتضای زمانه چیزهایی در پاریس گفته ام، اما اصلاً خودم را پایبند به آن گفته ها نمی دانم. او در مقابل دنیا تعهداتی داد که بعدها به راحتی زیر آنها زد.» محسن سازگارا، یکی دیگر از افراد سابق درون نظام، اعتقاد دارد وجهه تندروی فعلی حکومت، پیامد اجتناب ناپذیر ایدئولوژی اسلامی افراطی است که انقلاب را زیر سلطه خود گرفت. محسن سازگارا،

معاون سابق نخست وزیر و از بنیانگذاران سپاه پاسداران، گفت: «شعارهای بنیادین انقلاب شامل آزادی، استقلال و جمهوری اسلامی بود. اما نتیجه ایدئولوژی اسلامی انقلاب، استبداد دینی بود. ما به عنوان دانشجویان دوره شاه، امیدوار به داشتن یک کشور مستقل، مدرن و آزاد بودیم. ما آن روزها متوجه نبودیم که این دستاوردها از دل ایدئولوژی انقلابی بیرون نخواهد آمد. رهبری دینی ایران تحت عنوان ولایت فقیه، تمام اختیارات را بدون لزوم پاسخگویی، به یک فرد می بخشد. بنابراین نتیجه کار به سادگی، استبداد خواهد بود.»

از نظر بنی صدر، زوال رژیم تنها مسأله زمان است و لازم نیست هیچ انقلاب دیگری جایگزین آن شود. وی گفت: «این رژیم برای فروپاشی به یک انقلاب نیاز ندارد. در این نظام تنها یک رکن باقی مانده و آن هم روحانیت است. بخشی از همین رکن باقیمانده هم فرو ریخته است زیرا بسیاری از روحانیون خود را از نظام دور کرده اند. نیاز به انقلاب دیگری نخواهد بود زیرا ما هنوز از انقلاب 57 دست برداشته ایم.»

### گزارش دی تسایت :

### چگونه ایران غرب را بازی می دهد

رابطه بین ایران و غرب از این تشکیل شده که غرب پرسش مطرح می کند و جمهوری اسلامی پاسخ نمی دهد. متکی حتی ادعا می کند نه ایران، بلکه اروپاست که با دمکراسی مشکل دارد! اگر کسی بحثی را که در این نیمه شب در سالن هتل در گرفته بود، گوش می داد، فقط می توانست برای تمام سیاستمداران که از سال ها پیش مجبور بودند با موجودی مانند متکی مذاکره کنند، ابراز همدردی کند. ابراز همدردی کند تردید داشتیم آیا اساساً مطلبی درباره برنامه اتمی جمهوری اسلامی و برخورد غرب با آن ترجمه کنم یا نه، چرا که موضوع دیگر حالت مضحکه به خود گرفته است. اما حضور تقریباً ناگهانی متکی در کنفرانس امنیتی کشورهای قدرتمند جهان در مونیخ (جمعه ۵ فوریه) که بنا بر گزارش ها مجبور شدند جایی برای سخنرانی وی باز کنند، و گزارش هایی که درباره حتی حالت چهره و حرکت دستان وی و هم چنین «مونولوگ» طولانی او در کنفرانس به اصطلاح خبری، و رفتار سرد و چهره خشک گینو وستروله وزیر امور خارجه آلمان که به نیش باز متکی پاسخ نمی داد و سرانجام اینکه همه گزارش های رادیو و تلویزیون و مطبوعات بدون استثنا بر این تأکید کردند که نمی توان به رژیم ایران اطمینان کرد و وزیر امور خارجه اش پیامی جز همان سیاست همیشگی نداشت، مرا واداشت تا از میان تفسیرهای روزنامه های مختلف، این تفسیر روزنامه معتبر «دیتسایت» را به عنوان نمونه انتخاب کنم. تفسیرهایی که همگی نشان از آن دارند که در شرایطی که مردم ایران درگیر یک نبرد سرنوشت ساز هستند، جهان نیز خود را برای یک رویارویی کامل آماده می کند. تیتیر و مضمون طنز آمیز و به شدت انتقادی این مقاله و تفسیرهای دیگر روزنامه های معتبر آلمانی زبان نشان می دهد که جامعه مطبوعات نیز نسبت به سیاست های جمهوری اسلامی و کشورهای غربی بی تاب می شود.

«دیتسایت» که جمهوری اسلامی و وزیر خارجه اش را به «هنر پاسخ ندادن» می آراید، می نویسد: حضور وزیر امور خارجه ایران در کنفرانس امنیتی مونیخ یک میان پرده خنده دار بود. او پرسش هایی را که به برنامه اتمی و حقوق بشر مربوط می شد، نادیده گرفت، حرفی تازه ای هم برای مسئله اتمی نداشت. حال آنکه شرکت در این کنفرانس، فرصتی برای گام برداشتن در جهت حل این مشکل بود.

هنگامی که دیروز، منوچهر متکی، وزیر امور خارجه ایران، وارد جلسه کنفرانس امنیتی مونیخ شد، حاضران امیدوار بودند که وی پیشنهاد جدید و امیدوارکننده رییس جمهوری اش را مطرح کند. چرا که احمدی نژاد اعلام کرده بود ایران در آینده می تواند اورانیوم مورد نیاز را در خارج غنی سازی کند. به این ترتیب، خطر اینکه ایران بتواند به کمک سانتریفوژهای خودش سلاح اتمی تولید کند، آشکارا برطرف می شد. ولی متکی به جای اینکه از این فرصت برای نزدیک شدن به کشورهای قدرتمند شرکت کننده در کنفرانس مونیخ استفاده کند، آنها را بازی داد.

متکی در گفتگو با کارل بیلدت، وزیر امور خارجه سوئد، ادعا می کند نه ایران، بلکه اروپاست که با دمکراسی مشکل دارد! اگر کسی بحثی را که در این نیمه شب در سالن هتل در گرفته بود، گوش می داد، فقط می توانست برای تمام سیاستمداران که از سالها

پیش مجبور بودند با موجودی مانند متکی مذاکره کنند، ابراز همدردی کند. این بحث به خوبی نشان می داد که مشکل همیشگی و پایدار جمهوری اسلامی در کجاست. رابطه بین ایران و غرب از این تشکیل شده است که غرب پرسش مطرح می کند و جمهوری اسلامی پاسخ نمی دهد.

پرسش اصلی که متکی پاسخ نمی دهد و کارل بیلدت، وزیر خارجه سوئد، چندین بار تکرار می کند، چنین است: «شورای امنیت سازمان ملل از ایران خواسته است که غنی سازی اورانیوم را متوقف سازد. چرا شما به این خواسته عمل نمی کنید؟» متکی نخست چنین «پاسخ نمی دهد»: «من از ۲۶ سال پیش به عنوان دیپلمات کار می کنم!» و بعد رو به کارل بیلدت: «دوست عزیز، من همیشه رک و صریح حرف زدم» و اینکه همه باید حقوق مساوی داشته باشند و ایران هم مثل همه کشورهای دیگر حق استفاده صلح آمیز از انرژی هسته ای دارد.

کارل بیلدت یک بار دیگر تلاش می کند پاسخ بگیرد: «شما یک برنامه غنی سازی پیش می برید بدون آنکه برنامه تولید انرژی داشته باشید! آخر شما که اصلاً راکتور هسته ای ندارید، برای چه اورانیوم لازم دارید؟ این است که موضوع را مشکوک می کند.» متکی بار دیگر چنین «پاسخ نمی دهد»: «ما به خاطر اهداف پزشکی به تحقیقات هسته ای و اتم احتیاج داریم.»

جلسه هنگامی به تمامی به یک مضحکه تبدیل می شود که بیلدت و بقیه شرکت کنندگان در میزگرد از متکی درباره نقض حقوق بشر می پرسند. بیلدت می گوید: «ما نمی توانیم از این پرسش چشم ببوشیم». بیلدت به متکی هشدار می دهد که اگر دستگاه قضایی ایران در روزهای آینده واقعا دست به اعدام نه نفر مخالفی بزند که حکم اعدامشان به دلیل شرکت در اعتراضات پس از انتخابات ۲۲ خرداد صادر شده است، آن وقت رژیم ایران باید منتظر پیامدهای جدی آن باشد.

متکی به این پرسش چنین «پاسخ نمی دهد» که این



## راههای سبز

در این مراسم دکتر عبدالکریم لاهیجی، رئیس جمعیت دفاع از حقوق بشر در ایران و نایب رئیس فدراسیون بین‌المللی جامعه‌های حقوق بشر ضمن سخنانی، به نقض حقوق بشر در ایران اشاره کرد و تصویری از وضعیت کنونی کشور ارائه داد. بایک داد، روزنامه نگار، یکی دیگر از سخنرانان این مراسم بود که ایرانیان را در سراسر جهان به همدلی فراخواند تا "روز تحقق خواست‌های مردم فرابرسد."

محمد جواد اکبرین، دیگر روزنامه نگار ایرانی نیز ضمن اشاره به همدلی بین ایرانیان در داخل و خارج کشور از این نزدیکی ابراز خشنودی کرد. در این مراسم، تنی چند از نمایندگان احزاب سیاسی، اعضای پارلمان فرانسه و اتحادیه اروپا و همچنین روزنامه نگاران و فعالین مدنی فرانسوی نیز حضور داشتند. مانوئل ولس، نماینده حزب سوسیالیست در مجلس فرانسه و همچنین شهردار "اوری" هم پیامی به این مراسم ارسال کرده بود که در آن با اشاره به اینکه "ایران امروز، مقطعی تعیین کننده در تاریخ خود را پشت سر می‌گذارد" آمده بود: "این شرایط امید تازه ای را در این منطقه مهم جهان، پیش رو گذاشته و ما، سیاستمداران، روزنامه نگاران، و همه شهروندان جوامع دموکراتیک غربی، موظف به یاری رساندن به ایرانیان و حمایت از آنها هستیم." وی همچنین افزوده بود: "ما نمی‌توانیم تنها به صورتی منفعل بنشینیم و تماشاگر برخوردای خشنوت آمیز حکومتی باشیم که با دست‌آنی آهنین به سرکوب مردم ایران پرداخته است."

خانم کاترین مارگاته، شهردار "ملکوف" و نماینده فرانسه در پارلمان اروپا نیز دیگر سخنران این مراسم بود که با اشاره به حوادث دوران قبل و بعد از انقلاب، "شجاعت زنان ایرانی را که علیرغم دستگیری‌ها، شکنجه‌ها و تجاوزات به مبارزه برای احقاق حق خود و ابراز نظر ادامه می‌دهند" ستود و گفت: "مردم ایران باید بدانند که ما با تمام قوا حامی مبارزه آنها برای کسب حقوق و آزادی‌هایشان هستیم."

دیگر سخنرانان این جلسه عبارت بودند از:

واسیلا تامزالی، وکیل و رئیس سابق بخش حقوق زنان در یونسکو، میشل توبین، روزنامه نگار و مبتکر برنامه "آزادی برای ایران"، ژاکلین پرنی شیو، نماینده سازمان عفو بین‌الملل، توفیق علال، رئیس انجمن آزادی، دیدیه اجدادی، استاد دانشگاه و عضو حزب سبز.

پس از پایان سخنرانی‌ها، در حالی‌که میهمانان در پیشاپیش صف قرار گرفته بودند، حاضران به راهپیمایی در فاصله میدان "رپوبلیک" تا میدان "ناسیون" پرداختند و بادادن شعارهایی چون "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" و "مرگ بردیکتاتور" همدلی خود را با مردم کشور به نمایش گذاشتند. راهپیمایان که همگی نشانه‌های سبزی باخورد حمل می‌کردند در میدان "ناسیون" با خواندن سرود ای ایران و یار دبستانی، به این تجمع پایان دادند.

## زنجیره سبز

### اعتراض به جمهوری اسلامی تظاهرات هزاران ایرانی در پاریس



عکس: ساندرا رودبارکی

به دعوت "کمیته مستقل ضد سرکوب شهروندان ایرانی"، دیروز ایرانیان مقیم فرانسه ضمن یک راهپیمایی، اعتراض خود را به سیاست‌های جمهوری اسلامی اعلام کردند و خواستار آزادی همه زندانیان سیاسی و برچیده شدن بساط دیکتاتوری در کشور شدند.

در آغاز این مراسم که از میدان "رپوبلیک" آغاز شد، ابتدا پیام کمیته مستقل ضد سرکوب شهروندان ایرانی قرائت شد که در آن آمده بود: "سی و یک سال از انقلاب ایران گذشت. سی و یک سال اصحاب قدرت در ساختن نسلی انقلابی و آرمانگرا تلاش کردند. از انقلاب ۵۷ برپیمان مبداء ساختند. مبداء پایان طاغوت و بهار آزادی. ما کتاب‌های مدرسه را خواندیم اما در جهان پیرامون سرکوب دیدیم و تبعیض و بی‌عدالتی. خواندیم و ترسیدیم. حجم تضاد همهمان را به کنج دنج خلوتی سُراند. از هم دور شدیم. مردمی که انقلاب کردند گم شدند. در خرداد ۸۸، رأی ما را دزدیدند. "ما"یی که خیل عظیمی‌مان همان دبستانی‌های کتاب از بر کن قدیم بودیم. همان کنج نشینان خود اقلیت پندار. بدون هیچ هماهنگی از خانه بیرون زدیم. پی حق خورده‌مان راهی خیابان شدیم و در خیابان، گمشده زندگی‌مان را یافتیم. مردم را یافتیم. همدیگر را. ناگهان مفهوم اقلیت و اکثریت در هم شکست و جویبارهای سبزی از کوچه‌ها خروشید و به دریای یکپارچه خیابان سرازیر شد. ما "ما" شدیم. با هزاران تفاوت در نگرش و اعتقاد و مراسم. رقیتم تا رأی برده‌مان را باز آوریم که دیوار سیاه استبداد رنگ سرخ را نشان‌مان داد. رنگ خون سهراب و ندا و ده‌ها و ده‌ها شهید راه دموکراسی. بر آن شدیم تا با سبزی جنبش و سپیدی صلح و سرخی خون یاران دبستانی‌مان ایرانی نو بسازیم. آستین‌ها را بالا زدیم و در کنار هم، بر سر فصول مشترک مطالبات‌مان توافق کرده و در میدان ماندیم. و می‌مانیم تا برسیم به روزی که قانون و قانون‌مندی ریشه‌ی دیکتاتوری را بخشکاند. تا انتخابات آزاد، بدون نظارت بی‌رحم استصوابی، راه را برای ایفای نقش مردم در سرنوشت خودشان بگشاید. تا کسی جرأت نکند شهروندان را سرکوب کند. تا روزی که در کمیته‌مان را تخته کنیم."

پس از آن نوبت به تنی چند از فعالین سیاسی و حقوق بشری و همچنین نمایندگان احزاب و گروه‌های حقوق بشری فرانسوی رسید که همدلی خود را با جنبش دموکراسی خواهانه مردم ایران اعلام کردند.

«یک انتخابات آزاد و عادلانه» بود! و می‌افزاید: کسی که ایران را واقعا می‌شناسد، می‌داند که «هر کاری که دولت می‌کند بر اساس خواست مردم است» و توضیح می‌دهد: رهبری جمهوری اسلامی بر اساس دموکراسی، بهتر مشروعیت دارد تا مثلاً پارلمان اروپا! و در ادامه: «در بعضی از کشورهای اتحادیه اروپا تنها ۲۵ درصد از مردم در انتخابات شرکت کردند در حالی که در جمهوری اسلامی ۸۵ درصد بودند!»

در مورد احکام اعدام نیز می‌گوید کسانی که به اعدام محکوم شدند، از اپوزیسیون نیستند بلکه جنایتکارانند و از تماشاگران میزگرد می‌پرسد: «آیا شما در کشورتان کسانی را که دست به خشنوت می‌زنند، تحمل می‌کنید؟» و ادامه می‌دهد: تازه، محکوم‌شدگان اگر می‌خواستند می‌توانستند تقاضای فرجام‌کنند. در اینجا، کلاودیا روت، دبیر کل حزب سبزها، که در این کنفرانس شرکت داشت، از شدت خشم از جا برمی‌خیزد و دلیرانه در بحث مداخله می‌کند و از متکی می‌پرسد که وی چگونه دستگیری‌های خودسرانه، ضرب و شتم مردم توسط پاسداران و بستن دهان ژورنالیست‌ها را از ۱۲ ژوئن به این سو توجیه می‌کند؟ باز هم متکی چنین «پاسخ نمی‌دهد»: «ما باید بر اساس یک زمینه مشترک تفاهم داشته باشیم. در برابر قانون همه برابر هستند و کسی که قانون را زیر پا می‌گذارد، باید جوابگو باشد». در پایان جلسه که دیگر شب از نیمه گذشته است، متکی یک سؤال از کارل بیلدت وزیر امور خارجه سوئد دارد. با اشاره به اسرائیل می‌پرسد در خاورمیانه یک کشور هست که بمب اتمی دارد «غرب چه اقدامی کرده که این سلاح را نابود کند؟» و این بار نوبت بیلدت بود که چنین «پاسخ ندهد»:

«هدف ما یک جهان بدون بمب اتم است». شاید اما این پاسخ درست‌تر می‌بود: غرب تسلیحات اتمی اسرائیل را به سه دلیل یک خطر حاد نمی‌شمارد: یکی اینکه، اسرائیل مانند ایران هیچ کشوری را به نابودی تهدید نمی‌کند. دیگر اینکه، از هیچ گروه تروریستی اسلامی در کشورهای دیگر پشتیبانی نمی‌کند. و آخر اینکه، درست برعکس ایران، تردیدی در این نیست که دولت اسرائیل مورد تأیید اکثریت مردم‌اش است.

در اینکه غرب رفتار دوگانه دارد، تردیدی نیست. ولی میزگرد دیشب یک بار دیگر ثابت کرد این رفتار دوگانه درست است.

**برگردان: ال‌ا‌هه بقراط**



Anis Zandi

## یک روز از آزادی....

### هوشنگ اسدی

برای دخترهایم: نوشین، بهار و ساندر

پاکشان می رفتم و چشمان ساندر را مراقب همه چیز بود. پاریس بود و چشمانم خیس بود. پاریس همینگوی. پاریس کمون. پاریس نرودا. پاریس آزادی.

و صف می رفتم و به نام ایران می رفتم. بغض در گلو راهی به فریاد می جست. صف می رفتم. پاکشان می رفتم و چشمان ساندر را مراقب همه چیز بود. صدای نوشین می آمد از پشت فاصله ها: - ما ایستاده ایم عمو... صف می رفتم و ای ایران می خواند. پاریس کامو بود و سارتر بود. وزیر دفاع گفته بود: - سارتر را بگیرید...

ژنرال دوگل جواب داده بود:

- سارتر را نمی شود گرفت، چون در فرانسه آزادی را نمی شود گرفت.

صدای نوشین می آمد. از پشت میله ها می آمد. کسی بر این نوشته بود:

- نوشین راهی اوین بردند...

و شراب کوفتم شده بود. سرم را به شیشه خیس از باران چسبانده بودم:

- درمیهن ما دارن نمی گیرند... می گیرند...

می گریستم و پاکشان می رفتم. صف می رفتم

و چشمان ساندر را مراقب همه چیز بود. پرچم ایران تاب می خورد. آسمان نمی گریست، اما گرفته بود.

صف می رفتم و می خواند:

- سر اوامد زمستون...

از میدان جمهوری آمده بودیم و زیر چشم پاریس می رفتیم. پاریس کوزت. پاریس «عشاق پون نوف». به میدان ملت می رفتیم. سرودمی خواندیم آزاد. فریاد می زدیم آزاد. صف می رفتم و می خواند:

- آزادی... آزادی... آزادی...

بردرخت های زمستانی آراگون بود که می دوید و می نوشت:

- بر دفترچه ترانه هایم

بر میز، بر درختان

با نقشی بر شن، با نقشی بر برف

نامت را خواهم نوشت

بر هر صفحه که می خوانم

بر هر صفحه ی سفید

بر خاکستر کاغذها یا بر سنگ خون

نامت را می نویسم

پاکشان می رفتم و چشمان ساندر را مراقب همه چیز بود. نوشین از پشت میله ها بر این دست تکان می داد:

- عمو بد اخلاق... ما هستیم...

سبز و قرمز و آبی یکی می شد. در ابرها می دوید. بهار رویش می نوشت:

بر عکسهای طلایی

بر زره جنگجویان

بر تاج هر شاه

نامت را نوشتم

بر جنگل و صحرا

بر آشیانه و بر سرو کوهی

بر انعکاس کودکی ام

نامت را نوشتم

پاکشان می رفتم. صف بود. از چراغ قرمزهای سیمون دوبوار می گذشت. چراغهای زرد کامو را نمی دید. غریبه می رفتم. نام ایرانش بر زبان و بغضش در گلو بود. همراه ابدی را می دید. پشت دیوار شیشه ای پیدایش می شد. بایرک دندانهایش روی شیشه می نوشت:

مرمر شبها

برسفیدی نان روزها

بر همه ی فصلهای موعود

نامت را می نویسم

بر هر وصله آبی در آسمانهای سربیی

بر برکه در آفتاب پوسیده

بر آبراه زندگی

نامت را می نویسم

بر دشتها، بر افق

بر هر بال هر پرنده

بر آسیاب سایه ها

نامت را نوشتم

پاکشان می رفتم. صف دراز بود و سبز بود و بهار بود و ایران بود. چشمان ساندر را مراقب همه چیز بود.

به ناسیون رسیده بودیم. میدان بزرگ بود. آفتاب تند می شد. دستی مجسمه وسط میدان را بر می داشت.

هوا بوی زیتون و گازونیل می گرفت. روزها ورق می خورد. 22 بهمن می شد. پاکشان رسیده بودم. صف یکی می شد. دستها در هم گره می خورد. دست

نوشین را از پشت میله می گرفت. صف می رفتم و

من می رفتم. میهنم ایران بود. باداغ هایش. با

ندایارنج هایش. با سهراب. زیاد می شدیم. زیاد.

زیاد. میدان را بر می کردیم و می خواندیم:

هر وزش غروب

بر دریا، بر کشتی ها

بر کوهستان دیوانه

نامت را می نویسم

بر جوش و خروش ابرها

بر عرق طوفان

بر بوی نا و انبوهی باران

نامت را می نویسم

بر هر مساعدت

بر پیشانی دوستانم

بر هر دست کمک

نامت را می نویسم

بر پنجره شگفتی ها

بر لبان شنونده

به مراتب برتر از سکوت

نامت را خواهم نوشت

بر بهشتهای بر باد رفته ام

بر فانوسهای دریایی مخروب

بر دیوارهای یاس

نامت را نوشته ام

بر غیبت بی آرزو

بر برهنگی تنهایی

حتی بر قدمهای مرگ

هنوز نامت را می نویسم

بر سلامت بازگشته

بر خطر بیهوده

بر امید بی عداوت

نامت را می نویسم

و با قدرت یک کلمه

زندگی ام را دوباره باز می یابم

من زاده شدم تا ترا بشناسم

تا ترا نام دهم

آزادی

چشمان ساندر خیس بود. عکس ما را می گرفت و تکثیر می کرد. ما برای آزادی مرده بودیم و آزاد بودیم.

## ۲۲ بهمن، ایران آماده اعتراض بزرگ!

### علی کشتگر

خامنه‌ای اینک رسواتر، بی اعتبارتر و ناتوان‌تر از همیشه است. او حتی در میان دایره محدود "خودی‌ها" نیز زیر سؤال است. همراه با وخامت بحران سیاسی، بحران بی‌سابقه اقتصادی و بانکی نیز همچون یک بهمن نیرومند به سرعت به بنای لرزان حکومت کودتا نزدیک می‌شود. دست کم نیمی از بدنه نظام حاکم نیز در این رویارویی به نوعی همراه با مردم و یا مردد و بی‌طرف نظاره‌گر صحنه‌اند. حضور گسترده ملت در تظاهرات

اعتراضی بیست و دو بهمن می‌تواند موازنه قدرت را در همه عرصه‌ها به سود جنبش سبز دگرگون کند و بدین‌سان نقطه عطفی در مبارزه ملت علیه خودکامگی خامنه‌ای باشد

اگر جنبش سبز سرکوب شدنی بود و حکومت کودتا می‌توانست با کشتار و خونریزی و زندان و شکنجه آن را ریشه کن کند، در این هشت ماهه این کار را کرده بود. اما دیدیم که با همه وحشی‌گری‌هایی که از حکومت سرزد، این جنبش برج‌ماند و امروز در آستانه سالگرد ۲۲ بهمن پویاتر و نیرومندتر از دیروز است.

در ۸ ماهه گذشته همراه با گسترش و ژرفش جنبش دموکراسی خواهانه، اقتدار و نفوذ خامنه‌ای در درون نظام حاکم مدام در حال فرسایش بوده است. در همین مدت جهانیان با شگفتی و تحسین، مقاومت حماسی ایرانیان را در برابر رژیم‌ی که پاسخی جز کشتن برای ملت خود ندارد، نظاره‌گر بودند و دانستند که احمدی نژاد و خامنه‌ای با سرشت ملی و خواسته‌های صلح‌جویانه مردم ایران بیگانه‌اند.

امروز هشت ماه پس از کودتا افکار عمومی جهانیان علیه رژیم خون ریز خامنه‌ای و پشتیبان مردم ایران است. خامنه‌ای اینک رسواتر، بی اعتبارتر و ناتوان‌تر از همیشه است. او حتی در میان دایره محدود "خودی‌ها" نیز زیر سؤال است.

درست است که فرماندهان رده اول و دوم نظامی را خامنه‌ای و ابیادی او با دقت و وسواس منصوب کرده‌اند و اکثریت قریب به اتفاق آنان به خط سرکوب و کشتار سخت معتقد و وفادارند، اما محافل و مسوولان ناراضی اصولگرا که دست کم نیمی از این طیف را تشکیل می‌دهند و در میان آنها فرماندهان پیشین و پرسابقه سپاه هم کم نیستند، در بدنه نیروهای مسلح و در روند اجرائی کردن تصمیمات همچنان موثراند. بسیاری از عناصر متنفذ این طیف که فرآیند حوادث هشت ماهه گذشته را با دلهره و نگرانی دنبال کرده‌اند، اعدام و خونریزی‌های بیشتر را راه برون رفت از بحران وخیمی که نظام در آن گرفتار آمده نمی‌دانند. آنها حمایت یکجانبه خامنه‌ای از افراطی‌ترین جریان حاکم را بر نمی‌تابند و مخالفت‌های خود را به صورت آشکار و یا با سکوت معنی‌دار اعلام می‌کنند.

اعتراض بسیاری از مراجع و مدرسان حوزه‌های علمیه علیه علی خامنه‌ای و رئیس‌جمهور منصوب



او آشکارتر از آن است که حاجت به بیان داشته باشد. پیش از کودتا هنوز صلاحیت رهبری و اقتدار خامنه ای از طرف هیچ یک از جناح ها و مسوولان بلند پایه نظام زیر سوال نبود. اگر خامنه ای رای مردم را می پذیرفت نه جنبش اعتراضی سبز به این سرعت رشد می کرد و نه رژیم در چنین بحران وخیمی فرو می رفت. اصلاح طلبان در قدرت شریک می شدند و حداکثر حاکمیت دوگانه دوره خاتمی دوباره تجدید می شد. حتی پس از کودتا نیز خامنه ای در نخستین هفته فرصت آن را داشت که اشتباه خود را پس بگیرد و اوضاع آرام شود، اما از بیست و نه خرداد به این سو او راه خیانت و خونریزی بیشتر را در پیش گرفت و مردم نیز راه حماسی پایداری تا حصول پیروزی را برگزیدند. اینک شرایط به گونه ای است که تا یکی از دو طرف این دعوا شکست نخورد مبارزه ادامه دارد. تحولات و رویدادهای هشت ماهه گذشته نشان می دهد که این بار این خامنه ای است که سرانجام مجبور خواهد شد شکست خود را بپذیرد.

همراه با وخامت بحران سیاسی، بحران بی سابقه اقتصادی و بانکی نیز همچون یک بهمن نیرومند به سرعت به بنای لرزان حکومت کودتا نزدیک می شود.

نابودی سازمان برنامه و بودجه، حذف ساختارهای کارشناسی در امور اقتصادی و مالی همراه با ندانم کاری ها و بی لیاقتی های خامنه ای و ایادی او خزانه کشور را تهی و نظام مالی و بانکی ایران را در آستانه ورشکستگی قرار داده است.

دیربیا زود بحران اقتصادی بحران سیاسی کنونی را ده چندان خواهد کرد و جنبش اعتراضی را تا اعماق جامعه گسترش خواهد داد.

کیست نداند که صدور احکام اعدام علیه شماری از جوانان زندانی و اعدام جنایتکارانه دو تن از آنان مطلقاً از سر ضعف و وحشت از گسترش اعتراضات مردم صورت گرفته است. اما اگر در شرایط عادی اعدام مخالفان برای ساکت نگهداشتن مردم کار ساز باشد، در اوضاع و احوال کنونی نتیجه عکس به بار می آورد. کما این که این جنایات مردم را در برابر رژیم هم بسته تر و هم راه تر، عزم ملی را برای شرکت در یک حرکت بزرگ اعتراضی در ۲۲ بهمن جزم تر و رهبران شاخص جنبش سبز را نیز که از فضای اعتراضی نیرو می گیرند، مصمم تر کرده است.

شواهد و قرائن بیانگر آن اند که از هم اکنون مردم برای یک نمایش اعتراضی میلیونی در سالگرد انقلاب جنب و جوش خود را آغاز کرده اند. بانوی میانسالی را می شناسم که پس از تظاهرات شانزده آذر با دست شکسته و پیکر خونین به خانه بازگشت اما ذره ای تردید در تصمیم او و فرزندانش به ادامه شرکت در اعتراضات پدید نیامده، بر عکس از هرزمان امیدوارتر و مصمم تر شده اند. آموزگاری را می شناسم که تا روز عاشورا با وجود احساس همراهی با مردم در تظاهرات اعتراضی شرکت نکرده بود، اما پس از جنایات عاشورا تصمیم گرفته است که از این پس او نیز به سهم خود به میدان بیاید. جوانان و دانشجویان بیش از هر زمان قدرت دگرگون ساز جنبش خود را باور کرده اند و برای تظاهرات عظیم بیست و دو بهمن آماده شده اند. در دایره محدود آشنایاتی که فرصت تماس با آنان دارم هیچ کس را نمی شناسم که بخاطر سرکوب های خونین و یا اعدام های اخیر تردیدی به خود راه داده باشد.

ناظران و تحلیل گران دیگر نیز تا آنجا که من می دانم در تماس های خود به تجارب و نتایجی شبیه به آنچه اشاره کردم، رسیده اند و جملگی خبر از عزم ملی برای پیوستن به تظاهرات اعتراضی بیست و دو بهمن می دهند.

حضور مردم در تظاهرات اعتراضی بیست و دو بهمن یکی از نبردهای سرنوشت ساز جنبش دموکراسی خواهی نوین ایران است. همه فعالان جنبش سبز و همراه با آنان میلیونها تن از مردم آزادیخواه جهان با بیم و امید منتظر روز تاریخی بیست و دو بهمن امسال هستند. کودتاجیان نیز در این روز اثرات تشدید سرکوب و صدور احکام اعدام را به ارزیابی می نشینند.

نمی خواهم اغراق کنم، اما باید بگویم که احساس من این است که بیست و دو بهمن یک لحظه تاریخی در سرنوشت مردم ایران است.

هرچه ابعاد حضور مردم در این روز بزرگتر باشد هزینه راهی که به دموکراسی ختم می شود کوچکتر خواهد شد.

هرچه مردم در این روز عزم و اراده نیرومندتری برای دستیابی به حقوق انسانی خود به نمایش گذارند، توانایی خامنه ای در سرکوب و کشتار کمتر می شود. او از هفته ها پیش به همه فرماندهان اردوی کودتا فرمان داده است تا همه ابزارهای رسانه ای، اقتصادی و نظامی را برای جلوگیری از شکل گیری تظاهرات میلیونی مردم به کار اندازند. خامنه ای خوب می داند که پس از هشت ماه سرکوب و کشتار، پس از هشت ماه خونریزی برای احیای فضای ارعاب، حضور میلیونها ایرانی در تظاهرات اعتراضی علیه حکومت کودتا یعنی چه و چه پیامدهایی برای خود او دارد؟ همان گونه که گروهی از روزنامه نگاران ایرانی خارج از کشور در پیام خود خطاب به روزنامه نگاران جهان نوشته اند قصد او این است که با اشغال نظامی شهرهای بزرگ و گماردن نیروهای سرکوب در مسیر مردم از شکل گیری اعتراضات وسیع جلوگیری نماید و همزمان با برگزاری تظاهرات فرمایشی در برابر دوربین ها و خبرنگاران خریداری شده انزوی حکومت کودتا را از انظار جهانیان پنهان نگه دارد.

میرحسین موسوی، مهدی کروی و محمد خاتمی هریک به شیوه خود، اما به صراحت مردم را به شرکت هرچه وسیعتر در تظاهرات اعتراضی ۲۲ بهمن فرا خوانده اند. آنها به خوبی دریافته اند که امنیت و موجودیتشان فقط در سایه درخت سرسبز جنبش دموکراسی خواهی تامین و تضمین می شود. نه فقط آنان بلکه طیف گسترده ای از اصول گرایانی که سلطه کامل دولت احمدی نژاد را برای منافع خود مرگبار یافته اند، در سکوت خود آرزوی ادامه حضور اعتراضی مردم را منعکس می کنند.

۲۲ بهمن یک فرصت طلایی و تاریخی برای جنبش سبز است نه فقط اکثریت عظیم ملت مصمم به حضور در تظاهرات اعتراضی هستند، بلکه دست کم نیمی از بدنه نظام حاکم نیز در این رویارویی به نوعی همراه با مردم و یا مردد و بی طرف نظاره گر صحنه اند.

خامنه ای، در چنین شرایطی که حتی در بالاترین سطوح نظام حاکم نیز با نارضایتی های روز افزون و گسترده دست به گریبان شده است، بیش از هر زمان در برابر جنبش دموکراسی خواهی سبز آسیب پذیر است. در ماههای گذشته او بارها به زبان تهدید

و تطمیع خواص را به پیروی از خود فراخوانده است. اما خواص از رفسنجانی و روحانیون سرشناس گرفته تا سران جناح اصلاح طلب هیچ یک دعوت او را اجابت نکرده اند. همه آنها با صراحت و با بطور ضمنی مردم را به حضور و اعتراض علیه بیدادگری های خامنه ای فرا خوانده اند. حضور گسترده ملت در تظاهرات اعتراضی بیست و دو بهمن می تواند موازنه قدرت را در همه عرصه ها به سود جنبش سبز دگرگون کند و بدینسان نقطه عطفی در مبارزه ملت علیه خودکامگی خامنه ای باشد.

در پایان مطالعه مقاله روزنامه نگار معترض جان شیفته تحت عنوان "روزی برای کیش و مات جمهوری اسلامی" که اخبار روز نیز با عنوان "چه کسی میدان آزادی را تسخیر خواهد کرد" آن را منتشر کرده به خوانندگان توصیه می کنم.

## جنبش سبز؛ انقلاب یا اصلاح؟

### سید ابراهیم نبوی

یک فرض این است که روز ۲۲ بهمن جمعیت سبزها، در تهران و اکثر شهرها و روستاها، با جمعیتی خیره کننده حضور یابند، در این حالت ممکن است انبوه خلق براساس اخلاق جمعی خود، اختیار کار را به دست بگیرد و با نیروهای دولتی و حامیان آنان درگیر شود، در صورت عقب نشینی نیروهای دولتی، مردم با جسارت بیشتری وارد درگیری شوند و پلیس نیز دچار این بلاهت شود که در برخی نقاط با مردم درگیر شود. در این صورت مردم به پایگاه های حکومت حمله کنند، مراکز قدرت را بگیرند و پس از چند روز درگیری حکومت تغییر کند. آیا در صورت چنین واقعه ای جنبش سبز پیروز شده است؟

فرض دیگر که غالب است این که در صورت یک حضور عظیم، نیروهای حامی دولت و کسانی که برای حمایت از حکومت بصورت "ساندیمی- اتوبوسی" به محل های برگزاری مراسم آمده اند، نیز به حمایت از سبزها برخیزند، و در نتیجه نیروهای پلیس و امنیت شهری مجبور به ترک خیابان شوند تا رودرروی همه مردم قرار نگیرند، رهبری و ریاست جمهوری استعفا بدهند و اوضاع کشور تغییر کند، آیا مشکل ما حل خواهد شد؟

بحث بر سر پیروزی جنبشی به نام جنبش سبز که از نظر من هنوز تعریف اجتماعی آن کاملاً معلوم نیست، نیست. بحث بر سر منافع ملی و سرنوشت سیاسی کشور است. آیا امروز، یعنی در بهمن سال ۱۳۸۸، جامعه ایران در شرایط انتقال قدرت قرار دارد؟ آیا اگر همین امروز حکومت عقب نشینی کند و فردا صبح همه دست اندرکاران قدرت غیب شده باشند، آیا زمان مناسب برای تغییر فراسیده است؟ طبیعی است آنچه که معمولاً در واقعیت اتفاق افتد، شکلی احقانه از چیزی است که باید اتفاق بیافتد، مثلاً معمولاً دیکتاتورها درست برخلاف آنچه انتظار دارند، بهترین رفتارشان را نمی کنند و در اغلب موارد کاری می کنند که به زیان شان است. انقلابیون هم معمولاً دستخوش احساسات، یا گرفتار رفتارهای پوپولیستی، یا دچار بحران های موقتی می شوند که گاهی همین بحران های موقت تعیین کننده سرنوشت یک کشور می شود. چنانکه شده است و دیده ایم؛ شخص آیت الله خامنه ای در هشت ماه

## فراخوان برای تظاهرات ۲۲ بهمن در سراسر دنیا

Chicago, Strassburg  
Florence  
Berlin  
Heidelber  
Hamburg  
Bremen  
Düsseldorf  
Köln  
Bonn  
München  
Karlsruhe,  
Mainz  
Dortmund  
Antwerpe  
Darmstadt  
Stockholm  
Paris  
Rome  
Milan  
Aalborg  
Malmö  
Göteborg  
Kopenhagen  
Los Angeles CA, San  
Jose CA, Phoenix  
Tokyo  
Brussel

**6. bis 13. Februar**  
**Solidaritätswoche mit der**  
**grünen Demokratiebewegung**  
**im IRAN**  
**anlässlich des 22. Bahman.**

ششم تا سیزدهم فوریه  
هفته پشتیبانی از جنبش  
سبز آزادیخواهانه مردم ایران  
به مناسبت



[www.22khorad-hamburg.com](http://www.22khorad-hamburg.com)

Germany:  
United 4 Iran ( Berlin, Köln, Bonn, Düsseldorf, Frankfurt, Bayern),  
Hamburg (22 Khorad), Heidelberg (United FOR A FREE IRAN), Bremen,  
France: Strassbourg, Paris  
Italy: Florence (moje sahz)  
USA: Chicago



شیکاگو  
استراسبورگ  
فلورنس، برلین  
هایدلبرگ  
هامبورگ  
برمن، دوسلدرف  
کلن، بن، مونیخ  
کارلسروهه  
ماینتس، دورتموند  
انت ورپن  
دارم اشتات  
استکهلم، پاریس  
رم، میلان،  
آل بورگ  
مالمو، گوته بورگ  
کپنهاگن  
لوس آنجلس  
کالیفرنیا،  
سان خوزه  
فونیکس  
توکیو  
بروکسل

### آلمان - برلین

پنجشنبه 22 بهمن یازدهم فوریه 2010 در یکی از  
مهمترین خیابانهای برلین  
از همه احزاب، گروهها و هموطنان گرامی دعوت  
میکنیم که با حضور گسترده خود ما را یاری نموده و  
بار دیگر در پشتیبانی از حرکت آزادیخواهانه  
هموطنانمان در ایران سهیم باشیم.  
برای اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ذیل تماس حاصل  
فرمائید  
0157 / 81 95 28 07  
info@code-ev.org

### ایتالیا - رم

پنجشنبه 22 بهمن یازدهم فوریه ساعت 1530  
محل تجمع: میدان مونته چیتوریو مقابل مجلس  
ایتالیا

اتحادیه جامعه ایرانیان مقیم ایتالیا

### سوئیس - ژنو

پنج شنبه 22 بهمن 11 فوریه از ساعت 12 تا  
16 بعداز ظهر  
Genève - Place Neuve  
پلاس نوو - ژنو

### کانبرا

23 بهمن (12 فوریه) ساعت 11 صبح تا 2  
بعداز ظهر  
مقابل سفارت جمهوری اسلامی در کانبرا  
25 Culgoa Circuit, O'Malley

### لندن

پنجشنبه 11 فوریه برابر با 22 بهمن از ساعت 4  
عصر الی 8 شب  
در مقابل سفارت رژیم اسلامی در لندن انگلستان  
16 Prince's Gate  
London, SW7 1PT  
تلفن اطلاعات: 07984445278

\*\*

22 بهمن - 11 فوریه

### فراخوان به تظاهرات ایستاده

شورای همبستگی با مبارزات مردم ایران  
زمان تظاهرات: پنجشنبه 11 فوریه 2010  
ساعت 16.00 تا 19.00  
مکان تظاهرات:  
مقابل سفارت جمهوری اسلامی ایران در خیابان  
کنزینگتن

### فرانسه - پاریس

راهپیمایی و تظاهرات  
راهپیمایی: یکشنبه 7 فوریه، از میدان رپوبلیک به  
میدان ناسیون، ساعت 14 تظاهرات: پنجشنبه 11  
فوریه، میدان سن میشل، ساعت 17 تا 20  
کمیته ی مستقل ضد سرکوب شهروندان ایرانی

### استرالیا - سیدنی

22 بهمن برابر با 11 فوریه 2010 از ساعت پنج و  
سی دقیقه بعداز ظهر تا ساعت هشت و نیم شب در  
برابر ساختمان پارلمان نیوساوت ولز  
Thursday, February 11, 2010  
5.30 تا 8.30 pm  
Assemble: Parliament House  
Macquarie St Sydney  
\*\*\*  
شنبه سیزدهم فوریه، ساعت پنج بعد از ظهر  
مکان = جلو ساختمان اس بی اس (SBS)  
SBS station  
14 Herbert st Artarmon

تلفن- برای اطلاعات بیشتر: میترا 0405111942 =  
کمیته دفاع از دموکراسی در ایران



## ۲۲ بهمن سبز

### آلمان - دارم اشتاد

**UNITED4IRAN**  
**FRANKFURT/DARMSTADT**

SUPPORT THE CIVIL RIGHTS MOVEMENT  
DEMOCRACY & HUMAN RIGHTS FOR IRAN

GEMEINSAM laut gegen Unterdrückung,  
GEMEINSAM laut gegen Folter,  
GEMEINSAM laut gegen Vergewaltigung,  
GEMEINSAM GRÜN

Darmstadt, Ludwigsplatz Do.11.02.10 um 18 uhr  
[www.UNITED4IRAN-FFM.de](http://www.UNITED4IRAN-FFM.de)

**Demonstration**  
**Am Jahrestag der iranischen Revolution**

Wir gehen wieder auf die Straße:  
**Für Freiheit, Gerechtigkeit & Demokratie**

Organisatoren aus Mainz, Gießen, Frankfurt... & Solidaritätskomitee für Iran, Frankfurt  
<http://hamblogspot.blogspot.com> info@hamblogspot.org, Do., 11. Februar 2010, 18:00 Uhr, Römer / Frankfurt

### آلمان - فرانکفورت

**فراخوان برای تقابلات در فرانکفورت**  
**در ساگرد انقلاب بزرگ بهمن ۱۳۵۷**

در ۲۲ بهمن ماه سال ۱۳۵۷ سرگردان مبارزه مستماریان در شهر ایران را در یاد و نوار سبز و قرمز و سفید و نارنجی و سبز و زرد و بنفش و طلوع دانشمندی به پایان رساند. امروز پس از گذشت ۲۱ سال از این رویداد تاریخی، مردم ایران یک بار دیگر در برابر رژیم مستبد و دیکتاتور به مبارزه ای همگانی برخاسته و برای برقراری آزادی و دموکراسی در ایران در علم کرده اند.

مطلب احیای گرامش ریشه ای در ایران، مردم ایران صلوات و برشور در مبارزه برای برقراری سبزه ای از نور باطنی و به مبارزه ادامه روز جدید مبارزه خود که به دنبال نطفه انقلابی رژیم دیکتاتوری در ۲۲ خرداد ماه سال ۱۳۵۷ آغاز گردیده است، در این روز نیز به خیابان ها خواهد رفت و یک بار دیگر برقراری آزادی و دموکراسی را در ایران طلب خواهد کرد.

این مراسم در بزرگداشت روز بهمن ۱۳۵۷ و ۲۲ بهمن ماه ۱۳۵۷ با حضور فعالان و اعضای هیئت مدیره فرزندانی ایران و روسیه و دوست دیکتاتوران خارجی و به روشنه است. کمیته همبستگی برای ایران، فرانکفورت و برگزارکنندگان دیگر از شهرهای فرانکفورت، ماینس و گیس، استان های آلمان را برای شرکت در تقابلات و برنامه سخنرانی در دفتر فرانکفورت فرا می خواند.

این تقابلات در ساعت ۱۸:۰۰ روز پنجشنبه ۱۱ فوریه ۲۰۱۰ با سخنرانی از میزبان Röhler آغاز می گردد و پس از حدود ۲۰ دقیقه در ساعت ۲۰:۰۰ به پایان می رسد. در این برنامه جابر صواب مقدم فعال حقوق زنان و حقوق بشر و از ساد گذاران اولیه کمیته یک میلیون امضا برای تغییر قوانین سفید امر در ایران به عنوان سخنران حضور خواهد داشت.

ما از همه انسان های آزاد دنیا می گوییم که در همبستگی با مبارزه امیر مردم ایران برای آزادی و دموکراسی، در ساگرد انقلاب بزرگ بهمن ۱۳۵۷ در این تقابلات و برنامه سخنرانی در فرانکفورت شرکت نموده و نمونه محور افروز دیگری از همبستگی ملی خود را به نمایش بگذارند.

کمیته همبستگی برای ایران، فرانکفورت  
و برگزارکنندگان دیگر از شهرهای فرانکفورت، ماینس و گیس

Organisatoren aus Mainz, Gießen, Frankfurt...  
& Solidaritätskomitee für Iran, Frankfurt  
<http://hamblogspot.blogspot.com>  
Protestmarsch: Römerberg um 18:00 Uhr  
Kundgebung: Hauptwache bis 20:00 Uhr  
Frankfurt/M

### اسپانیا - مادرید

22 بهمن - 11 فوریه 2010 ساعت 18.30 تا 20.30  
مکان: روبروی سفارت اشغالی ایران  
Calle Jerez N° 5 Madrid Spain

### روسیه - مسکو

پنجشنبه 22 بهمن - یازدهم فوریه  
آدرس: مترو چیستی پرودی، خیابان پاکروفسکی  
بلوار، شماره 7  
از ساعت 16  
مقابل سفارت اشغالی ایران

### اتریش - وین

شنبه فوریه 2010  
مکان: مقابل اپرای وین

از ساعت 13 تا 15  
کمیته بین المللی نجات ایرانیان

### آلمان - هامبورگ

کنسرت سبز به مناسبت هفته پشتیبانی از جنبش سبز  
از آدیخواهانه مردم ایران

**SOLIDARITÄTS-KONZERT\***  
Biegung und Süd  
**Iran** (همراه)  
Trance-musik und Jazz

12. Februar 2010  
20 Uhr  
Hamburg  
FABRIK  
Dierckestr. 38  
22785 Hamburg

Eintritt frei  
Saeid Sharihatzadeh Ensemble  
& Jazz-Trio Donatier  
Saeid Sharihatzadeh Ensemble  
Saeid Sharihatzadeh Ensemble  
Saeid Sharihatzadeh Ensemble

### آلمان - مونیخ

فراخوان به راهپیمایی  
22 بهمن روز پشتیبانی از مبارزات آزادیخواهانه مردم ایران



22. Bahman - Islamische Republik Iran - 31 Jahre  
Folter, Gewalt und Mord  
München  
پنجشنبه 11 فوریه  
18.30 Sendlinger Tor  
20.30 Odeonsplatz  
همراه با نمایش فیلم، ترانه و سرود

کانون ایرانیان آزادیخواه مونیخ  
Münchener Verein für die Freiheit im Iran  
<http://iranianmuenich.blogspot.com/>  
[iranianmuenich@yahoo.de](mailto:iranianmuenich@yahoo.de)

### بژیک - پروکسل

22 بهمن 11 فوریه از ساعت 17 تا 19 بعد از ظهر  
در برابر سفارت جمهوری اسلامی

### آمریکا - آتلانتا

یکشنبه 18 بهمن - 7 فوریه  
Date: Sunday, February 7, 2010  
Time: 2:00pm - 4:00pm  
Lenox Mall, Corner of Lenox Rd and  
Peachtree Rd, Atlanta, GA

### مینه سوتا

پنج شنبه ۲۲ بهمن ساعت ۷ بعد از ظهر  
Mississippi Room  
Coffman Memorial Union  
University of Minnesota  
کمیته دفاع از جنبش دموکراتیک مردم ایران در مینه  
سوتا  
سازمان دانشجویان ایرانی مینه سوتا

### لس آنجلس

22 بهمن - 11 فوریه  
مکان: روبروی فدرال بیلدینگ لس آنجلس  
از ساعت 5 تا 8 بعد از ظهر  
شورای برگزاری مراسم 22 بهمن

### قبرس - نیکوزیا

سه شنبه 20 بهمن 1388 - 9 فوریه 2010  
زمان: ساعت 6 بعد از ظهر  
(Hilton park) مکان: نیکوزیا - مقابل هیلتون  
پارک

### فنلاند - هلسینکی

بیبست دوم بهمن ماه - 11 فوریه  
روبروی پارلمان ساعت سیزده بعد از ظهر  
سوئد

### گوتنبرگ

22 بهمن - 11 فوریه

مکان: برونز پارکن  
زمان: ساعت 16 تا 18  
سازمان آزادی زن

### استکهلم

پنج شنبه 22 بهمن - 11 فوریه ساعت 17 بعد از  
ظهر  
مکان: میدان مرکزی شهر استکهلم سرگل توری  
جمعیت پشتیبانی از مبارزات مردم ایران

### مالمو

با 11 فوریه (22 بهمن)  
مکان: تریانگل (TRIANGELN)  
زمان: ساعت 17:00